

# زبان فارسی

کتاب درسی





# Azərbaycan Respublikasının Dövlət Himni

*Musiqisi Üzeyir Hacıbəylinin,  
sözləri Əhməd Cavadındır.*

Azərbaycan! Azərbaycan!  
Ey qəhrəman övladın şanlı Vətəni!  
Səndən ötrü can verməyə cümlə hazırız!  
Səndən ötrü qan tökməyə cümlə qadiriz!  
Üçrəngli bayrağınla məsud yaşa!

Minlərlə can qurban oldu,  
Sinən hər bə meydan oldu!  
Hüququndan keçən əsgər,  
Hərə bir qəhrəman oldu!

Sən olasan gülüstan,  
Sənə hər an can qurban!  
Sənə min bir məhəbbət  
Sinəmdə tutmuş məkan!

Namusunu hifz etməyə,  
Bayrağını yüksəltməyə  
Cümlə gənclər müştəqdir!  
Şanlı Vətən! Şanlı Vətən!  
Azərbaycan! Azərbaycan!



حیدر علی اف  
رہبر ملی مردم آذربایجان



آنا كرىم اف

برای كلاس های چهارم آموزشگاه های عمومی

# زبان فارسی

كتاب درسی

© "Şərq-Qərb" Açıq Səhmdar Cəmiyyəti

Bu nəşrlə bağlı irad və təkliflərinizi  
[info@eastwest.az](mailto:info@eastwest.az) və [derslik@edu.gov.az](mailto:derslik@edu.gov.az)  
elektron ünvanlarına göndərməyiniz xahiş olunur.  
Əməkdaşlığınız üçün əvvəlcədən təşəkkür edirik!



ŞƏRQ-QƏRB

# فهرست

- درس ۱.  
خانه تان کجا است؟ ..... ۸
- درس ۲.  
این موزه است ..... ۱۲
- درس ۳.  
دلّم برایش تتگ می شود ..... ۱۶
- درس ۴.  
تو می توانی ..... ۲۰
- درس ۵.  
چه می توانم بکنم؟ ..... ۲۴
- درس ۶.  
روز بارانی ..... ۲۸

- درس ۷.  
 مگر تو قول ندادی؟ ..... ۳۲
- درس ۸.  
 می شود ..... ۳۶
- درس ۹.  
 آنها نگران هستند ..... ۴۰
- درس ۱۰.  
 مرور کنیم ..... ۴۴
- درس ۱۱.  
 مگر تو کامپیوتر داری؟ ..... ۴۶
- درس ۱۲.  
 با دوچرخه می آمدم ..... ۵۰
- درس ۱۳.  
 بهتر است ..... ۵۴
- درس ۱۴.  
 می خواستم ..... ۵۸
- درس ۱۵.  
 باید ..... ۶۲

	درس ۱۶ .
۶۶	مسئله ی ریاضی .....
	درس ۱۷ .
۷۱	یادگار .....
	درس ۱۸ .
۷۵	اهمیت دارد که .....
	درس ۱۹ .
۷۹	مستقیم بروید! .....
	درس ۲۰ .
۸۵	مرور کنیم .....
	درس ۲۱ .
۸۸	می دانم که .....
	درس ۲۲ .
۹۲	باید صبر کنیم .....
	درس ۲۳ .
۹۶	بعد چه شد؟ .....
	درس ۲۴ .
۱۰۱	کجایت درد می کند؟ .....



- درس ۲۵.  
معلم سختگیر ..... ۱۰۵
- درس ۲۶.  
پلیس آمد ..... ۱۱۱
- درس ۲۷.  
تو که قصد نداری ..... ۱۱۵
- درس ۲۸.  
او تنها کسی بود که ..... ۱۱۹
- درس ۲۹.  
نوبت من ..... ۱۲۴
- درس ۳۰.  
مرور کنیم ..... ۱۲۷

# خانه تان کجا است؟

درس

سلام، حالت  
چطور است؟

سلام

**حمید:** خوبم، متشکرم. من  
می خواهم زبان فارسی را یاد بگیرم.

**معلم:** بسیار خوب، چند سال داری؟

**حمید:** ده سال دارم.

**معلم:** اهل کجایی؟

**حمید:** اهل آذربایجانم.

**معلم:** اسم پدرت چیست؟

**حمید:** رستم.

**معلم:** شغل پدرت چیست؟

**حمید:** مهندس.

**معلم:** خانه تان کجا است؟

**حمید:** خیابان آزادی، پلاک ۲۰



واژه نامه



می خواهم یاد بگیرم [mixahəm yad begirəm]

پلاک [pelak]

خیابان [xiyaban]

نکته:



نمی خواهم یاد بگیرم  
نمی خواهی یاد بگیری  
نمی خواهد یاد بگیرد  
نمی خواهیم یاد بگیریم  
نمی خواهید یاد بگیرید  
نمی خواهند یاد بگیرند

می خواهم یاد بگیرم  
می خواهی یاد بگیری  
می خواهد یاد بگیرد  
می خواهیم یاد بگیریم  
می خواهید یاد بگیرید  
می خواهند یاد بگیرند

### ۱. فرم زیر را برای خود پر کنید.



نام خانوادگی:	نام:
شغل پدر:	نام پدر:
جنس:	سن:
روز تولد:	محل تولد:
ماه تولد:	
سال تولد:	نشانی:



### ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

### ۳. جدول را کامل کنید.

۱	۲	۳		۵	۶	۷		۹	۱۰
۱۱		۱۳	۱۴	۱۵		۱۷	۱۸	۱۹	
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶		۲۸	۲۹	۳۰
	۳۲	۳۳	۳۴		۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱		۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷		۵۹	

#### ۴. مانند نمونه جدول را کامل کنید.

یاد می گیرم - می خواهم یاد بگیرم

می خواهم یاد بگیرم	
	صحبت می کنم
می خواهم بنویسم	
	تلفن می کنم

#### ۵. جمله ها را کامل کنید.

من می خواهم زبان فارسی  
یاد بگیرم

ما ...	
شما ...	تو ...
آنها ...	او ...

#### ۶. متن زیر را بخوانید.



### در مدرسه

نزدیک ظهر است. ناظم مدرسه زنگ می زند. بچه ها با نظم و ترتیب از کلاس بیرون می آیند. مدیر و ناظم به حیاط مدرسه می آیند. بچه ها هنگام رفتن به خانه از مدیر، ناظم و معلم خداحافظی می کنند. بچه ها در راه خانه مواظب هستند که کیف و کتاب خود را گم نکنند.

واژه نامه



ناظم [nazem]

مواظب هستند [movazeb hestend]

زنگ می زند [zəng mizənəd]

گم نکنند [qom nəkonənd]

با نظم و ترتیب [banəzm-o-tərtib]

## ۷. با توجه به متن کلمه ی مناسب را انتخاب کنید.

۱. ناظم مدرسه ...

(صحبت می کند، زنگ می زند، می خورد)

۲. بچه ها هنگام رفتن به خانه از مدیر، ناظم و معلم ...

(سلام می کنند، تشکر می کنند، خداحافظی می کنند)

۳. بچه ها مواظب هستند که کیف و کتاب خود را ...

(بخوانند، گم نکنند، فراموش نکنند)



## ۹. در جای نقطه ها حرف اضافه ی مناسب را بنویسید.

۱. بچه ها با نظم و ترتیب ... کلاس بیرون می آیند. (به، از، در)

۲. مدیر و ناظم ... حیاط مدرسه می آیند. (به، از، در)

۳. بچه ها هنگام رفتن ... مدیر، ناظم و معلم خداحافظی می کنند. (به، از، در)

## ۸. با توجه به متن واژه های مناسب را به یکدیگر وصل کنید.

ناظم	رفتن
نظم و	خانه
نزدیک	ترتیب
راه	مدرسه
هنگام	ظهر



## ۱۰. جمله ها را بخوانید و غلط های املائی را پیدا کنید..

نزدیک زهر است. ناظم مدرسه زنگ می زند. مدیر مدرسه به حیات مدرسه می آید. بچه ها هنگام رفتن به خانه از مدیر خداحافظی می کنند.

# این موزه است

۲

درس



**آرمان:** چه ساختمان قشنگی!

**علی:** این موزه است.

**آرمان:** این ها مجسمه های چه کسانی است؟

**علی:** مجسمه های شاعران، نویسندگان ما است.

**آرمان:** چه پارک بزرگی است!

**علی:** اینجا پارک ملی است.

**آرمان:** آن آدم ها چه کار می کنند.

**علی:** آنها سوار کشتی می شوند.

**آرمان:** من هم می خواهم سوار کشتی بشوم.

**علی:** برویم.

واژه نامه



موزه [muze]

مجسمه [mocəsseme]

شاعر [ʃa'er]

نویسنده [nevisənde]

ملی [melli]

سوار کشتی شدن

[səvar-e kəšti šodən]

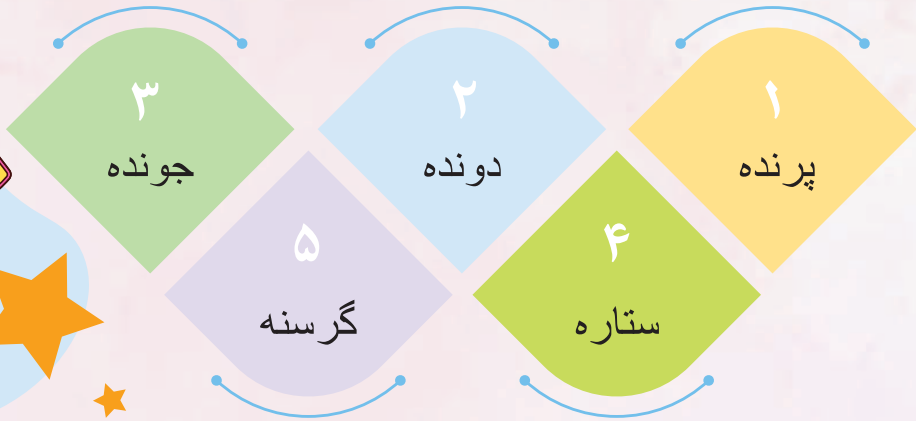
نکته ها:



نویسنده [nevisənde] ← نویسندگان [nevisəndeqan]

پرنده [pərənde] ← پرندگان [pərəndeqan]

## ۱. کلمات داده شده را با "ان" جمع ببندید.



## ۲. مانند نمونه کامل کنید.

... - این چه قدر بزرگ است!  
... - این چه ماشین زیبایی است!  
... - هوا چه قدر صاف است.

نمونه: چه ساختمان قشنگی است! -  
این ساختمان چه قدر قشنگ است!



### ۱. گوش کنید و بگویید کدام جمله درست است؟

۱. حمید با مادر بزرگش به پارک می رود.
۲. پارک امروز خیلی شلوغ است.
۳. اگر حمید در پارک گم شود، گریه می کند.

### ۲. گوش کنید و در جای نقطه ها واژه ی مناسب را بنویسید.

حمید وقتی به پارک می رود، دلش می خواهد تا شب در پارک...

الف) بخوابد      ب) بنشیند      ج) بماند

او می داند که باید به ... برگردد.

الف) خانه      ب) حیاط      ج) پارک

### ۳. در موارد زیر چه می کردید؟

۱. اگر از پدر و مادرتان دور شوید...
۲. اگر در پارک گم شوید...
۳. اگر تا شب در پارک بازی کنید...



### ۳. مانند نمونه بگویید.



ما ....



من ...



او سوار کشتی می شود.



آنها ...



بچه ...

### ۴. شعر "یار مهربان" را بخوانید و حفظ کنید.



## کتاب خوب

دانا و خوش بیانم  
با آن که بی زبانم  
من یار پند دانم  
با سود و بی زیانم  
من یار مهربانم

من یار مهربانم  
گویم سخن فراوان  
پندت دهم فراوان  
من دوستی هنرمند  
از من مباش غافل  
عباس یمینی شریف







### واژه نامه

پنددانم [pənddanəm]	یار [yar]
هنرمند [honərmənd]	مهربان [mehreban]
باسود [basud]	دانا [dana]
غافل [gʌfel]	خوش بیانم [xoʃbəyanəm]
بی زیان [bizijan]	فراوان [fəraʋan]
	پندت دهم [pəndət dəhəm]

### نکته ها:

مباش [məbaʃ]

نباش [nəbaʃ]

## ۵. واژه های هم معنی را به هم وصل کنید.

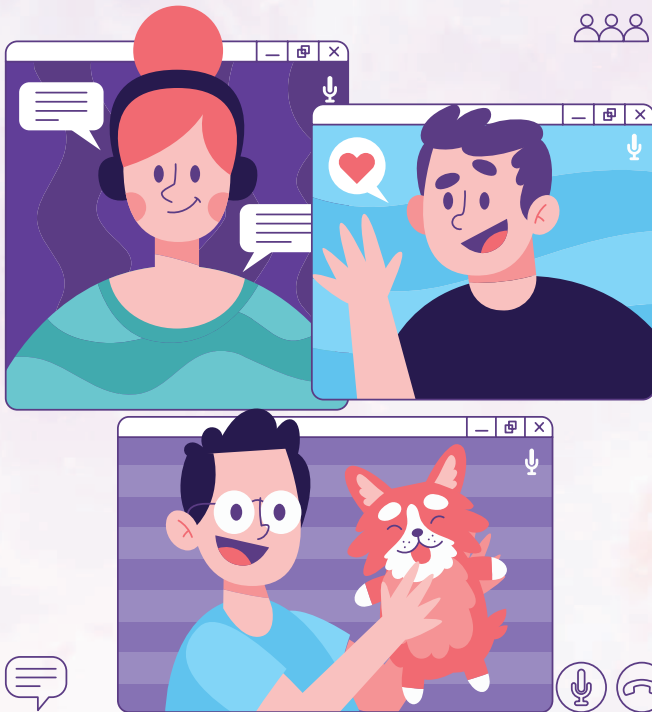


۷. کلمه ی “کتاب” شما را به یاد چه کلمه هایی می اندازد؟ پنج کلمه بنویسید.

## ۶. با توجه به شعر جمله ها را کامل کنید.

من دوستی هنرمند	با سود و ...
گویم سخن فراوان	... بی زبانم
پندت دهم فراوان	من یار ...
من یار مهربانم	... و خوش بیانم

# دلم برایش تنگ می شود



**سارا:** تو تنها زندگی می کنی؟

**فرشید:** نه، با مادرم زندگی می کنم.

**سارا:** پس پدرت کجا است؟

**فرشید:** پدرم اینجا نیست، در خارج از کشور است، آنجا کار می کند.

**سارا:** دلت برای او تنگ نمی شود؟

**فرشید:** البته دلم برایش تنگ می شود.

**سارا:** تو نمی خواهی به آن کشور بروی؟

**فرشید:** من به مدرسه می روم و مادرم اینجا کار می کند. فقط در تعطیلات نزد پدرم می رویم. اما هر روز با او تلفنی تماس می گیریم.

## نکته:



دلم برای ...تنگ می شود  
دلت برای ...تنگ می شود  
دلش برای ...تنگ می شود  
دلمان برای ...تنگ می شود  
دلتان برای ...تنگ می شود  
دلشان برای ...تنگ می شود

## واژه نامه



تنها [tənha]

دلم برایش تنگ می شود

[deləm bərayeʃ təng miʃəvəd]

در خارج [dər xarec]

کشور [keʃvər]

تماس می گیریم (گرفتن)

[təmas migirim (gerəftən)]

## ۱. گفتگو را با همکلاسی هایتان تمرین کنید.

۳. در جای نقطه ها گزینه ی مناسب را بنویسید.

۱. ما در تعطیلات ... پدرم می رویم (برای، نزد، به).
۲. من نمی خواهم به آن کشور ... (می روم، برم، بروم).
۳. پدرم در خارج ... کشور است (از، در، به).

۲. مانند نمونه جمله ها را کامل کنید.

- (من) دلم برای پدرم تنگ می شود  
(تو) ... برای ... تنگ می شود  
(او) ... برای ... تنگ می شود  
(ما) ... برای ... تنگ می شود  
(شما) ... برای ... تنگ می شود  
(آنها) ... برای ... تنگ می شود

## ۴. با استفاده از فعل های زیر تصویر را توصیف کنید.



کار کردن

تلفنی حرف زدن

بازی کردن

صحبت کردن

نامه نوشتن

گردش کردن

## ۵. متن زیر را بخوانید.

### مادربزرگ فرشته

مادربزرگ فرشته آموزگار بود. او در روستا زندگی می کند. او سه گاو بزرگ و یک گربه دارد. مادربزرگ با شیر گاو ماست و پنیر درست می کند. فرشته تابستان پیش مادربزرگ می رود. او به مادربزرگ در کارها کمک می کند. امروز فرشته با مادربزرگ به گردش می رود. او پرندگان را می بیند که از روی زمین دانه ی گندم بر می دارند. آنان با شادی از گردش بر می گردند. فرشته از مادربزرگ سپاس گذاری می کند.



#### واژه نامه



ماست [mast]

به گردش می رود  
[be gerdeş mirəvəd]

دانه [dane]

گندم [gəndom]

سپاس گذاری می کند (کردن)  
[sepasqozari mikonəd]

#### برداشتن – بردار

#### نکته ها:



من برنمی دارم [mən bərnemidarəm]  
تو برنمی داری [to bərnemidari]  
او برنمی دارد [u bərnemidarəd]  
ما برنمی داریم [ma bərnemidarim]  
شما برنمی دارید [şoma bərnemidarid]  
آنها برنمی دارند [anha bərnemidarənd]

من برمی دارم [mən bərmidarəm]  
تو برمی داری [to bərmidari]  
او برمی دارد [u bərmidarəd]  
ما برمی داریم [ma bərmidarim]  
شما برمی دارید [şoma bərmidarid]  
آنها برمی دارند [anha bərmidarənd]

## ۶. کدام جمله نادرست است؟

- ۱) مادر بزرگ فرشته پزشک بود.
- ۲) مادر بزرگ فرشته در روستا زندگی می کند.
- ۳) ما در بزرگ فرشته سه گاو و یک سگ بزرگ دارد.
- ۴) فرشته همیشه پیش مادر بزرگ می رود.
- ۵) فرشته امروز با مادر بزرگ به گردش می رود.

## ۷. مانند نمونه جدول را کامل کنید.

داشت	دارد
...	درست می کند
کمک کرد	...
برداشت	...
...	بر می گردد

## ۸. مانند نمونه بنویسید.

## ۹. جمله ها را مرتب کنید.

پیش می رود فرشته تابستان مادر بزرگ

درست می کند شیر گاو پنیر و ماست با مادر بزرگ

سپاس گذاری فرشته می کند مادر بزرگ از

# تو می توانی ...

تو می توانی این دوچرخه را درست کنی؟

نمی دانم، اما سعی می کنم.



جاويد

علی

تو می توانی فوتبال بازی کنی؟

متأسفانه، نمی توانم.



تو می توانی به زبان فارسی شعر بخوانی؟

بلی، می توانم.



### واژه نامه



می توانی درست کنی

[mitəvani dorost koni]

سعی می کنم

[[sə'y mikonəm]

می توانی شعر بخوانی

[mitəvani şe'r bexani]

متأسفانه [motəssefane]



ما می توانیم بخوانیم [ma mitəvanim bexanim]	من می توانم بخوانم [mən mitəvanəm bexanəm]
شما می توانید بخوانید [ʃoma mitəvanid bexanid]	تو می توانی بخوانی [to mitəvani bexani]
آنها می توانند بخوانند [anha mitəvanənd bexanənd]	او می تواند بخواند [u mitəvanəd bexanəd]
ما نمی توانیم بخوانیم [ma nemitəvanim bexanim]	من نمی توانم بخوانم [mən nemitəvanəm bexanəm]
شما نمی توانید بخوانید [ʃoma nemitəvanid bexanid]	تو نمی توانی بخوانی [to nemitəvani bexani]
آنها نمی توانند بخوانند [anha nemitəvanənd bexanənd]	او نمی تواند بخواند [u nemitəvanəd bexanəd]

## ۲. گفتگو را با همکلاسی هایتان تمرین کنید.

### ۳. جمله را کامل کنید.

من می توانم به زبان فارسی حرف بزنم.

ما ...  
شما ...  
آنها ...

تو ...  
او ...

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

تو می توانی این دوچرخه را ...  
نمی دانم، اما سعی ...  
تو ... به زبان فارسی شعر ...؟  
بلی، می توانم.  
تو می توانی فوتبال ...؟  
نه، متأسفانه ...

## ۴. گزینه ی مناسب را انتخاب کنید.

- ۱) من می توانم ... (رانندگی می کنم، رانندگی کنم، رانندگی کرد).
- ۲) او می تواند تمرین هایش را ... (حل کند، حل می کند، حل کن).
- ۳) تو نمی توانی صبح زود ... (بیدار می شوی، بیدار شد، بیدار شوی).
- ۴) علی نمی تواند به دوستش نامه ... (می نویسد، بنویسد، نوشت).
- ۵) آنها می توانند به پیرزن (کمک کنند، کمک می کنند، کمک کنید).

## ۵. متن زیر را بخوانید.

### دوست من

رحیم دانش آموز است. او با مادر بزرگش در باکو زندگی می کند. اما پدر و مادر و برادر کوچکش در گنجه زندگی می کنند. او خواهر ندارد. رحیم دوستان زیادی دارد. علی و فرشاد از دوستان خوب او هستند. فرشاد اهل ایران است. رحیم نمی تواند به فارسی خوب حرف بزند. اما فرشاد به او کمک می کند و آنها هر روز به زبان فارسی صحبت می کنند. رحیم، علی و فرشاد با هم درس می خوانند. رحیم اغلب به خانه ی دوستانش می رود.



## ۶. کدام جمله نادرست است؟

- (۱) رحیم در گنجه زندگی می کند.
- (۲) رحیم دانش آموز است.
- (۳) رحیم می تواند به فارسی خوب حرف بزند.
- (۴) فرشاد ایرانی است.

واژه نامه



با هم [bahəm]

اغلب [əgʌlb]



۷. جمله ها را مرتب کنید.

او      فارسی      نمی تواند      حرف بزند      خوب      به

برادر      با      گنجه      او      زندگی می کند      در      کوچکش

اغلب      می رود      به      دوستانش      او      خانه ی

۸. برای تصویر چهار جمله بنویسید.



۹. لطیفه ی زیر را بخوانید.

×

△

○

آموزگار: علی! چرا صابون را با "سین" نوشتی؟  
علی: آقا، چه فرقی دارد؟ مگر صابون با "سین" کف نمی کند؟!

# چه می توانم بکنم؟



درس



**مریم:** تو کتاب ریاضی مرا برداشتی؟

**زهرا:** نه، من برنداشتم.

**مریم:** توی کیفیت نگاه کن.

**زهرا:** چرا کتابت را توی کیف من گذاشتی؟

**مریم:** من کتابم را می خواهم. حالا چه

جوری مشق بنویسم؟

**زهرا:** من چه می توانم بکنم.

**مریم:** می توانی سؤال ها را برایم بخوانی؟

**زهرا:** بلی، می توانم.

من را = مرا

نکته:



برداشتن

برداشتیم

برداشتید

برداشتند

برنداشتیم

برنداشتید

برنداشتند

برداشتم

برداشتی

برداشت

برنداشتم

برنداشتی

برنداشت

واژه نامه



ریاضی [riyazi]

نگاه کن [neqah kon]

توی کیف [tu-ye kif]

چه جوری [çe curi]

مشق بنویسم

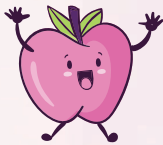
[məşq benevisəm]

سؤال [sual]

نکته ها:

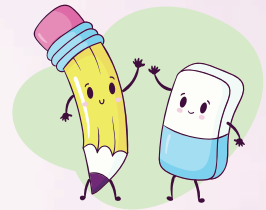
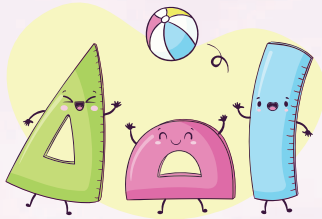


[berəvim] برویم	چه جوری بروم [berəvəm]
[berəvid] بروید	بروی [berəvi]
[berəvənd] بروند	برود [berəvəd]



### ۱. گفتگو را کامل کنید.

- تو کتاب ریاضی ... برداشتی؟
- نه، من ...
- توی کیف ...
- چرا کتابت را توی کیف من ...؟
- من کتابم ... می خواهم. حالا چه جوری مشق ...؟
- من چه می توانم ...؟
- ... سؤال ها را برایم بخوانی؟
- بلی، می توانم.



### ۲. گفتگو را با همکلاسی هایتان تمرین کنید.

### ۳. فعل های زیر را به صورت منفی بنویسید.

برآمد

برگشتیم

برداشتم

دررفتید

درگذشت

برخوردند

#### ۴. تصویرها و جمله های مناسب را به هم وصل کنید.



او به سؤال معلم جواب می دهد.

او روی تخته می نویسد.

او کتاب می خواند.

او کتاب ها را توی کیف می گذارد.

او به هم کلاسی خود کمک می کند.

#### ۵. متن زیر را بخوانید.

### آرزوی من

روزی آموزگار از شاگردان کلاس خود پرسید:  
بچه ها دوست دارید وقتی بزرگ شدید چه کاره شوید؟  
نیمی از بچه های کلاس گفتند: دکتر و نیمی دیگر گفتند:  
مهندس. خانم آموزگار لبخند زد و گفت: بچه های خوبم!  
آیا کشور ما نجار، بنا، نقاش، کفاش، مجسمه ساز، نانوا، راننده، نویسنده و یا آموزگار  
لازم ندارد!  
اگر همه ی شما دکتر یا مهندس شوید، پس چه کسی برای ما خانه بسازد یا کفش بدوزد  
یا نان بپزد؟ چه کسی به بچه ها درس بدهد؟  
من به شما بچه های خوبم می گویم. اول انسان باشید، دوم انسان با سواد، سوم یک  
انسان با سواد مفید.



پرسیدن [porsidən]	نانوا [nanva]
وقتی بزرگ شدید [vəḡti bozorg şodid]	آگر [əḡər]
نیمی [nimi]	کفش بدوزد [kəfş beduzəd]
لبخند زدن [ləbxənd zədən]	انسان باشید [ensan başid]
کفاش [kəffaş]	مفید [mofid]
مجسمه ساز [mocəssemesaz]	

## نکته ها:



این کتاب است. این کتاب است؟ آیا این کتاب است؟

انسان باسواد مفید [ensan – e basəvad – e mofid]

شاگردان کلاس خود [şagerdan – e kelas – e xod]



## ۶. با توجه به متن جمله ها را کامل کنید.

- ۱) بچه دوست دارید وقتی بزرگ شدید ... ..
- ۲) اگر همه ی شما دکتر یا مهندس شوید ... ..
- ۳) اول انسان باشید ... ..

## ۷. جمله ها را مرتب کنید.

روزی

کلاس

شاگردان

پرسید

آموزگار

از

خود

آیا

او

است

پدر

مهندس

علی

مدرسه

است

دانش آموز

ما

## ۸. وقتی که بزرگ شدید دوست دارید چه کاره شوید؟ سه – پنج جمله بنویسید.

## روز بارانی



**پدر:** از هوا چه خبر؟

**مادر:** باران شدیدی می آید؟

**پدر:** جدی!؟

**مادر:** به بیرون نگاه کن.

**دختر:** پدرجان، ما نمی توانیم به سینما برویم؟

**پدر:** آخر ماشین خراب است. ما چه می توانیم بکنیم؟

**مادر:** ما می توانیم چتر بگیریم، چکمه ی بارانی به پا کنیم و برویم.

## نکته ها:



باران شدیدی [baran – e şədid-i]

کتاب جالب – کتاب جالبی [ketab – e calebi]

← یک کتاب جالب

## واژه نامه



شدید [şədid]

به پا کردن [be pa kərdən]

چکمه ی بارانی

[çəkmə-ye barani]

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- بیرون را ...
- پدرجان، ما ... به سینما برویم؟
- آخر ماشین خراب است. ما چه می توانیم ... ؟
- ما می توانیم چتر ...، چکمه ی بارانی ... و برویم.

- از هوا چه خبر؟
- باران ... می آید.
- جدی!؟

## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

۳. مانند نمونه بنویسید. نمونه: کتاب جالبی

خانه	سیب	اتاق	ساختمان	درخت	شب	کتاب
بلند	سبز	جالب	قشنگ	شیرین	بزرگ	تاریک

۴. وسایل زیر به کدام وضع هوا مربوط است؟

چکمه ی بارانی

بارانی

کلاه

عینک آفتابی

پالتو

اسکی

دستکش

شورت

کلاه حصیری

کلاه زمستانی

جلیقه

شال گردن

چتر

## ۵. متن زیر را بخوانید.

### فصل من

اسم این پسر جاوید است. جاوید پسر خیلی خوبی است. او همه ی فصل ها را دوست دارد. اما از همه بیشتر فصل تابستان را دوست دارد. چون در این فصل او می تواند آبتنی کند و همراه خانواده اش به مسافرت برود. او میوه های خوشمزه ی فصل تابستان را خیلی دوست دارد. میوه هایی مانند هندوانه، انگور، خربزه، گیلان. او بستنی را خیلی دوست دارد، اما هیچ وقت خودش بستنی نمی خورد. همیشه از پدر یا مادر می خواهد تا برایش بستنی بخرند. چون می داند مادر و پدر بهتر می دانند کدام بستنی سالم تر است. او در فصل تابستان در حیاط توپ بازی یا ماشین بازی می کند. جاوید نسیم خنک کولر را دوست دارد، اما او هیچ وقت برای خنک شدن زیر باد کولر نمی نشیند و نمی خوابد. چون می تواند سرما بخورد.

#### واژه نامه



آبتنی کردن [abtəni kərdən]	خنک شدن [xonək şodən]
به مسافرت رفتن [be mosaferət rəftən]	نسیم [nəsim]
سالم [saleem]	سرما خوردن [sərma xordən]
توپ بازی کردن [tupbazi kərdən]	مانند [manənd – e]
ماشین بازی کردن [maşinbazi kərdən]	





## ۶. بگویید کدام جمله درست نیست؟

- ۱) جاوید از همه بیشتر فصل زمستان را دوست دارد.
- ۲) جاوید می تواند تابستان با خانواده اش به مسافرت برود.
- ۳) جاوید هیچ وقت بستنی نمی خورد.
- ۴) همیشه پدر و مادر برای جاوید بستنی می خرند.
- ۵) جاوید معمولاً برای خنک شدن زیر باد کولر می نشیند و می خوابد.

## ۷. با توجه به متن جمله ها را کامل کنید.

- ۱) جاوید همه ی فصل ها را دوست دارد، اما از همه بیشتر ...
- ۲) جاوید در فصل تابستان می تواند آبتنی کند و ...
- ۳) جاوید همیشه از پدر و مادر می خواهد تا برایش بستنی بخرند، چون ...

## ۸. با توجه به متن در جای نقطه ها واژه ی مناسب را بنویسید.

- ۱) او در فصل تابستان در حیاط ... (درس می خواند، توپ بازی می کند، شنا می کند).
- ۲) او هیچ وقت زیر باد کولر ... (بستنی نمی خورد، آبتنی نمی کند، نمی خوابد).
- ۳) او میوه هایی مانند ... (انار، خربزه، موز) را دوست دارد.

## ۹. شکل مناسب فعل را بنویسید.

- ۱) او می تواند سرما (می خورد، خورد، بخورد).
- ۲) او از پدر و یا مادر می خواهد تا برایش بستنی (می خرند، بخرند، بخرید).
- ۳) او در این فصل می تواند با خانواده اش به مسافرت (برود، بروید، برو).



# مگر تو قول ندادی؟



درس



**زینب:** بابا کجایی؟ من دو ساعت است منتظر تو هستم.

**پدر:** چرا دخترم؟

**زینب:** مگر تو قول ندادی؟ امروز به گردش می رویم.

**پدر:** معذرت می خواهم، دخترم، از یادم رفت.

**زینب:** حالا برویم.

**پدر:** نه، حالا دیگر دیر است.

**زینب:** کی می رویم؟

**پدر:** فردا می رویم. قول می دهم.

واژه نامه



قول ندادی (دادن) [qoul nədadi]

بابا [baba]

منتظر تو هستم [montəzer – e to həstəm]

معذرت می خواهم (خواستن)

[mə'zerət mixahəm]

از یادم رفت [əz yadəm rəft]



## ۱. گفتگو را کامل کنید.

**زینب:** بابا...؟ من دو ساعت است ... تو هستم.  
**پدر:** چرا دخترم؟

**زینب:** مگر تو ...؟ امروز به گردش می رویم.  
**پدر:** ...، دخترم. از یادم رفت.

**زینب:** حالا برویم.  
**پدر:** نه، حالا دیگر ...

**زینب:** کی می رویم؟  
**پدر:** فردا می رویم. ...



## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان صحنه سازی کنید.

## ۳. مانند نمونه در جای نقطه ها شکل مناسب فعل را بنویسید.

زمان گذشته

قول دادم

...

از یادم رفت

معذرت خواستم

زمان حال

قول می دهم

به گردش می رویم

...

...



۴. جمله های زیر به کدام تصویرها مربوط است؟



مدرسه



محله



سینما



استخر



مسجد



مطب

یک مکان ورزشی است.  
یک مکان آموزشی است.  
یک مکان دینی است.  
یک مکان فرهنگی است.  
یک مکان بهداشتی است.  
یک مکان اجتماعی است.

## ۵. متن زیر را بخوانید.

### درس ما

آن روز موضوع درس ما "میهن" بود. به شکل گروهی به بحث درباره ی "میهن" پرداختیم. هر گروهی درباره ی موضوع درس با هم مشورت و گفت و گو کردند. پس از گفت و گوی گروهی، نماینده ی هر گروه در مورد "میهن" سخن گفتند. آموزگار جلوی کلاس آمد و گفت: بسیار مهم است که هر شهروند به خوبی به وظیفه ی خود عمل کند.

#### واژه نامه



مشورت کردن [məʃvəɾət kərdən]

گفت و گو [qoft – o – qu]

در مورد [dər moured – e]

شهروند [ʃəhrvənd]

عمل کردن [ʔəməl kərdən]

موضوع [mouzuʔ]

میهن [mihən]

به شکل گروهی [be ʃekl – e qoruhī]

بحث [bəhs]

پرداختن [pərdaxten]

درباره [dərbare]

## ۶. کدام جمله به موضوع درس مربوط است؟

- ۱) موضوع درس آن روز "دریاها" بود.
- ۲) نخست گروه جغرافیا درباره ی "اقیانوس" صحبت کرد.
- ۳) گروه ها درباره ی موضوع گفت و گو و مشورت کردند.

## ۷. با توجه به متن جمله ها را به ترتیب بنویسید.

- ۱) آموزگار نظر خود را می گوید.
- ۲) موضوع درس ما "میهن" است.
- ۳) نماینده ی هر گروه در مورد موضوع درس سخن می گویند.
- ۴) ما درباره ی موضوع درس مشورت و گفت و گو می کنیم.



## می شود ...



**دختر:** می توانید به من کمک کنید؟  
**پسر:** چه شده؟  
**دختر:** من نمی توانم این در را باز کنم.



**دختر:** می شود پنجره را ببندید؟  
**پسر:** چرا؟  
**دختر:** هوا خیلی سرد است.



**پسر:** می خواهید به شما کمک کنم؟  
**زن:** نه، عزیزم، متشکرم. خیلی سنگین نیست.

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- می توانید به من ...؟
- چه شده؟
- من نمی توانم این در را ...؟
- ...
- می شود پنجره را ...؟
- چرا؟
- هوا خیلی ...
- ...
- ... به شما کمک کنم؟
- نه، عزیزم، متشکرم. خیلی سنگین ...

۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان صحنه سازی کنید.

۳. گزینه ی مناسب را انتخاب کنید.

- ۱) ما می خواهیم اتاقمان را ... (تمیز کردیم، تمیز کنیم، تمیز می کنیم).
- ۲) می شود آن کتاب را به من ... (می دهی، بدهی، بدهم).
- ۳) من نمی توانم این متن را ... (ترجمه کنم، ترجمه می کنم، ترجمه کردم).
- ۴) پدرم می خواهد ماشینش را ... (می فروشد، بفروشیم، بفروشد).
- ۵) می شود در را ... (می بندم، ببندم، دارم می بندم).

۴. مانند نمونه بنویسید.



خواستن - فرانسه - رفتن



خواستن - تلفن زدن



خواستن "اتومبیل" خریدن  
می خواهم این ماشین را بخرم.



توانستن - زبان فارسی - حرف زدن



نتوانستن - این مسئله را حل کردن

## ۵. متن زیر را بخوانید.

### باغ ما

وقتی خورشید می تابد، زمین روشن و گرم می شود. خروس از لانه اش بیرون می آید. خروس با آواز خوش خود می خواند. اکرم هم با آواز خروس از خواب بیدار شد. پدر او باغبان است. او یک باغ انار دارد. باغ او هر سال مقدار زیادی میوه می دهد. پدر اکرم از درخت های باغ به خوبی مراقبت می کند. اکرم در آبیاری درخت ها به پدرش کمک می کند. آنها وقتی که میوه می چینند، مراقب هستند که تیغ به دستشان نرود. بعضی از درخت ها تیغ دارند.



#### واژه نامه



- خورشید [xoršid]
- می تابد (تابیدن) [mitabəd]
- لانه [lane]
- زمین [zəmin]
- آواز [avaz]
- تیغ [tiğ]
- آبیاری [abyari]
- می چینند (چیدن) [miçinənd]
- مراقب هستند [morağeb həstənd]
- مراقبت کردن [morağebət kərdən]

#### نکته ها:



- وقتی (وقتی که) ...
- وقتی که خورشید می تابد، زمین روشن و گرم می شود.
- وقتی که می آید
- وقتی که کتاب می خوانم



## ۷. واژه های مخالف را پیدا کنید.

سرد	روشن
کم	گرم
تاریک	خوش
بد	زیاد

## ۶. کدام جمله درست نیست؟

- ۱) پدر اکرم معلم است.
- ۲) پدر اکرم یک باغ سیب دارد.
- ۳) اکرم در آبیاری درخت ها به پدرش کمک می کند.
- ۴) همه ی درخت های باغ تیغ دارند.

## ۸. جمله ها را مرتب کنید.

وقتی	تیغ	که	به دستش	مراقب است	نرود	میوه می چیند	او	که
بازی می کند	بچه ها	می رود	به	وقتی	احمد	با	پارک	که
می تابد	می شود	وقتی	روشن	خورشید	زمین			

## ۹. با توجه به متن در جای نقطه ها واژه ی مناسب را بنویسید.

- ۱) وقتی ... می تابد، زمین روشن و گرم می شود.
- ۲) پدر اکرم از درخت های باغ به خوبی ...
- ۳) اکرم در ... درخت ها به پدرش کمک می کند.
- ۴) بعضی از درخت ها ... دارند.

## ۱۰. مانند نمونه بنویسید.

**نمونه:** او مریض می شود – او پیش دکتر می رود  
او وقتی که مریض می شود، پیش دکتر می رود.

من به مغازه می روم – من برای خواهر کوچکم عروسک می خرم  
بهار می آید – درخت ها سبز می شود  
ما کلاس نداریم – ما به گردش می رویم



# آنها نگران هستند ...

**علی:** من می خواهم یک گربه بخرم.

**نادر:** جدی؟

**علی:** اما پدر و مادرم با این کار موافق نیستند.

**نادر:** چرا موافق نیستند؟

**علی:** آنها فکر می کنند من نمی توانم از گربه مراقبت کنم.

**نادر:** تو شرایط لازم را نداری؟

**علی:** چرا، برای نگهداری گربه شرایط لازم را دارم، اما آنها نگران هستند همسایه ها اعتراض کنند.

## واژه نامه



نگهداری [negəhdari]  
همسایه [həmsaye]  
اعتراض کردن [e'teraz kərdən]

موافق نیستند [movafeq nistənd]  
فکر کردن [fekr kərdən]  
شرایط [šərayet]

## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- من می خواهم یک گربه ...
- جدی؟
- اما پدر و مادرم با این کار ...
- چرا موافق نیستند؟
- آنها فکر می کنند من نمی توانم از گربه ...
- تو ... لازم را نداری؟
- چرا، برای ... گربه شرایط لازم را دارم، اما آنها نگران هستند همسایه ها ...

۳. نام و نوع غذای این جانوران را بنویسید.



۴. جمله ها را به تصویرهای مناسب وصل کنید.

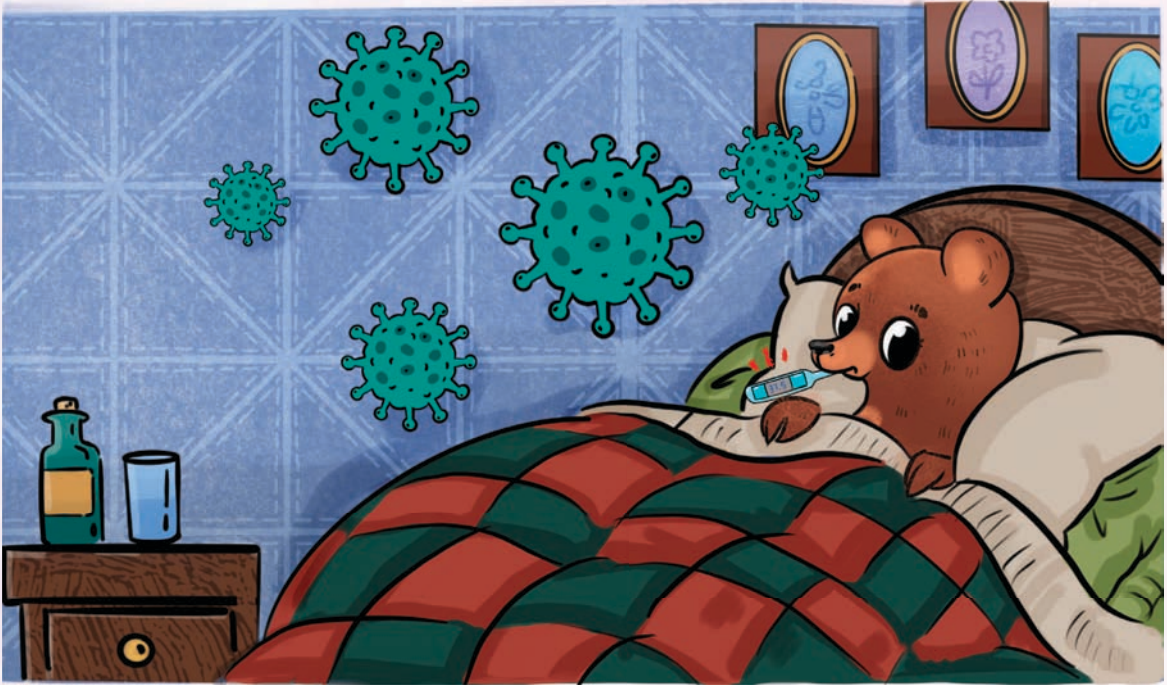


این جانور شنا می کند

این جانور پرواز می کند

این جانور می خزد

## ۵. متن زیر را بخوانید.



### خرس کوچولو

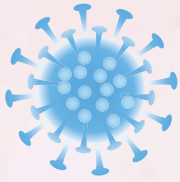
یک روز صبح زود خرس کوچولو چوبی برداشت و به جنگ میکروب ها رفت. از بچه گنجشک و بچه فیل سراغ میکروب ها را گرفت. بالای درخت یک کندوی عسل دید و عسل را با همان دست های کثیفش خورد و با خود گفت: امروز خیلی خسته ام. فردا با میکروب ها می جنگم. روز بعد خرس کوچولو بیمار شد. مادرش به او گفت: عزیزم، میکروب ها در دست های آلوده زندگی می کنند. پس برای جنگیدن با آن ها بهتر است همیشه خود را پاکیزه نگه داری و دست هایت را قبل از غذا خوردن بشویی.

#### واژه نامه



[kəsif] کثیف	[mikrob] میکروب
[bimar şod] بیمار شد	[cəng] جنگ
[alude] آلوده	[bəççeɣonçeşk] بچه گنجشک
[pakize] پاکیزه	[sorağ – e ... gereft] سراغ ... گرفت
[qəbl (əz)] قبل (از)	[kəndu – ye 'əsəl] کندوی عسل

## ۶. کدام جمله درست نیست؟



- ۱) یک روز خرس کوچولو به جنگ میکروب ها رفت.
- ۲) خرس کوچولو از مادرش سراغ میکروب ها را گرفت.
- ۳) خرس کوچولو عسل را با دست های تمیز خورد.
- ۴) خرس کوچولو میکروب ها را دید.



## ۷. واژه های هم معنی را پیدا کنید.

مریض

کوچک

تمیز

کتیف

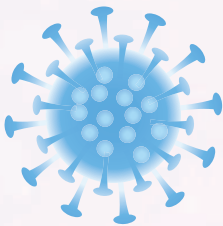
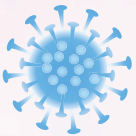
کوچولو

بیمار

آلوده

پاکیزه

## ۸. با واژه های زیر جمله بسازید.



جنگ

عسل

میکروب

## ۹. در جای نقطه ها حرف اضافه ی مناسب را بنویسید.

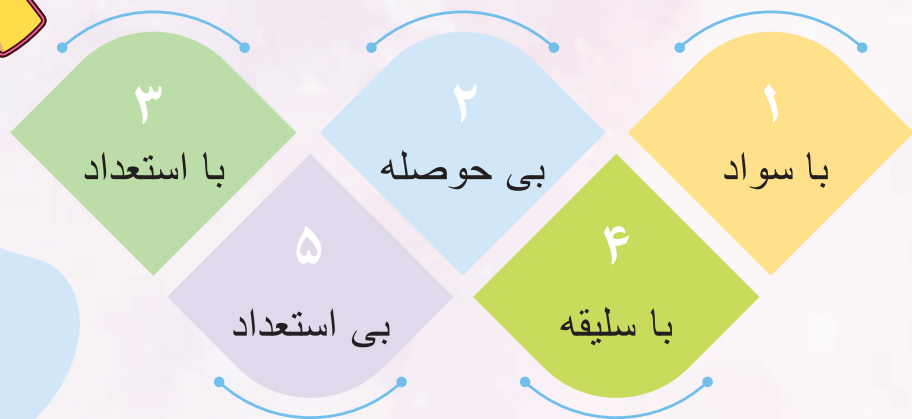
- ۱) یک روز خرس کوچولو ... (از، در، به) جنگ میکروب ها رفت.
- ۲) خرس کوچولو (از، با، به) ... بچه گنجشک و بچه فیل سراغ میکروب ها را گرفت.
- ۳) خرس کوچولو عسل را ... (از، با، در) همان دست های کتیفش خورد.
- ۴) میکروب ها ... (از، در، به) دست های آلوده زندگی می کنند.

# مرور کنیم

۱۰

درس

۱. هر واژه را به جمله ی مناسب وصل کنید.



کسی که استعداد دارد

کسی که استعداد ندارد

کسی که سلیقه دارد

کسی که حوصله ندارد

کسی که سواد دارد

۲. در جای نقطه ها حرف اضافه ی مناسب را بنویسید.

- ۱) علی ساعت ۱۲ ظهر ... مدرسه به خانه می آید. (از، به، با)
- ۲) مریم و برادرش برای گردش ... پارک نزدیک خانه می روند. (از، با، به)
- ۳) آموزگار ... علی خواست درس آخر کتاب را بخواند. (به، از، با)

۳. واژه های زیر را با "ان" جمع ببندید.

پرنده

همسایه

راننده

خواننده

خزنده

#### ۴. در جای نقطه ها واژه ی مناسب را بنویسید.

- ۱) علی با دوستش در ... قایق سواری می کند (استخر، حوض، دریا).
- ۲) سارا همیشه با قاشق و چنگال غذا ... (می خورم، می خوری، می خورد).
- ۳) جاوید بعد از بازی دست و صورت خود را ... (می شوید، می شویم، می شویی).
- ۴) آموزگار از سارا ... یک شعر بخواند (خواست، خواستم، خواستی).
- ۵) در فصل بهار باران بیش تر از همیشه ... (نمی بارد، می بارد، می رود).

#### ۵. کلمه های مخالف را به هم وصل کنید.

با خبر

خالی

کوچک

با دقت

پر

بزرگ

بی دقت

بی خبر

#### ۶. به پرسش ها جواب بدهید تا کلمه رمز پیدا شود.

حرف چهارم واژه ی ”پژمرده“ ...  
حرف پنجم واژه ی ”می شوم“ ...

حرف اول واژه ی ”مشرق“ ...  
حرف دوم واژه ی ”باران“ ...  
حرف سوم واژه ی ”بندر“ ...

#### ۷. در جای نقطه ها واژه ی مناسب را بنویسید.

- ۱) از آن پیراهن خوشم آمد. ... آن را بخرم (می توانم، می خواهم).
- ۲) او گواهی نامه ندارد. او ... رانندگی کند (نمی تواند، نمی خواهد).
- ۳) آن کیف خیلی سنگین است. ... به شما کمک کنم (می توانید، می خواهید).
- ۴) ماشینم خراب است. ما ... با ماشین برویم (نمی توانیم، نمی خواهیم).

# مگر تو کامپیوتر داری؟

۱۱

درس

واژه نامه



جمع کردن [cəm' kərdən]

خرجی [xərɟi]

پس انداز کردن

[pəsəndəz kərdən]

**مریم:** به چه فکر می کنی؟

**علی:** به کامپیوترم فکر می کنم.

**مریم:** مگر تو کامپیوتر داری؟

**علی:** نه، هنوز ندارم. اما می خواهم بخرم.

**مریم:** چطور می خری؟ تو که کار نمی کنی، پول نداری.

**علی:** درست است. پول ندارم. اما برای خریدن کامپیوتر پول جمع می کنم.

**مریم:** چطور؟

**علی:** پدرم هر روز به من خرجی می دهد و من قسمتی از آن پول را برای

خریدن کامپیوتر پس انداز می کنم.



## ۱. گفتگو را کامل کنید.

— ... چه فکر می کنی؟

— به کامپیوترم ...

— مگر تو کامپیوتر ...؟

— نه، هنوز ندارم. اما می خواهم ...

— چطور می خری؟ تو که ...، پول نداری.

— درست است. پول ندارم. اما برای خریدن کامپیوتر پول ...

**مریم:** چطور؟

**علی:** پدرم هر روز به من ... می دهد و من قسمتی از آن پول را برای خریدن

کامپیوتر ...

## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.



۳. کدام یک از وسایل زیر به کامپیوتر مربوط نیست؟



اینترنت



چاپگر



موشواره



قیچی



صفحه کلید



پردازشگر



رادیو



مونیتور

۴. متن زیر را بخوانید.

## تلفن همراه

مادر سارا یک تلفن همراه دارد. سارا هیچ وقت به تلفن همراه مادرش دست نمی زند و نمی گذارد که خواهر کوچکش هم این کار را بکند، چون می داند که تلفن همراه اسباب بازی نیست. یک روز که سارا و مادرش مشغول تمیز کردن خانه بودند، خواهر کوچکش تلفن همراه مادر را کنار دستشویی برد تا آن را زیر شیر آب بگیرد و بشوید، اما سارا خیلی زود با مهربانی تلفن را از او گرفت. سارا می داند که اگر خواهرش تلفن را زیر آب بگیرد، آب توی تلفن می رود و ممکن است تلفن خراب شود. او یک دستمال تمیز نمناک را به خواهرش داد تا آن تلفن را تمیز کند.

مادر سارا این حادثه را به پدر گفت و پدر برای دختر کوچکش یک تلفن همراه اسباب بازی خرید.



واژه نامه



شیر آب [ʃir - e ab]

نمناک [nəmnak]

حادثه [hadese]

نمی گذارد [nemiqozarəd]

اسباب بازی [əsbabbazi]

مشغول ... بودن [məʃgʊl - e ... budən]

## ۵. کدام جمله درست نیست؟



- ۱) خواهر کوچک سارا یک تلفن همراه دارد.
- ۲) سارا همیشه از تلفن مادرش استفاده می کند.
- ۳) سارا نمی گذارد که خواهر کوچکش به تلفن همراه مادرش دست بزند.
- ۴) پدر برای سارا یک تلفن همراه اسباب بازی خرید.

## ۶. با توجه به متن جمله ها را کامل کنید.

- ۱) سارا می داند که اگر خواهرش تلفن را زیر شیر آب بگیرد
- ۲) سارا هیچ وقت به تلفن همراه مادرش دست نمی زند و نمی گذارد که
- ۳) سارا یک دستمال تمیز نمناک را به خواهرش داد تا

## ۷. بخش ها را به هم وصل کنید و واژه بسازید.



کلید

اسباب

واره

تلفن

بازی

صفحه

همراه

موش

# با دوچرخه می آمدم

# ۱۲

درس

**جاوید:** چرا دیر آمدی؟

**فرشاد:** امروز به مدرسه با دوچرخه می آمدم. در راه یکی از چرخ ها پنچر شد.

**جاوید:** چه کردی؟

**فرشاد:** آنجا از همسایه ام خواهش کردم که دوچرخه ام را برای چند ساعت نگاه دارد و سپس پیاده به مدرسه آمدم.

**جاوید:** ناظم مدرسه دید که تو نیستی.

**فرشاد:** وقتی که به مدرسه رسیدم برای ناظم مدرسه سبب دیر آمدن را توضیح دادم.

واژه نامه



چرخ [çərx]

پنچر شدن [pənçər şodən]

سبب [səbəb]

توضیح دادم (دادن)

[touzih dadən]

آمدم – می آمدم

نکته ها:



می آمدم [miyamədəm]

می آمدی [miyamədi]

می آمد [miyaməd]

نمی آمدم [nemiyaədəm]

نمی آمدی [nemiyaədi]

نمی آمد [nemiyaəd]

می آمدم [miyamədīm]

می آمدید [miyamədīd]

می آمدند [miyamədənd]

نمی آمدم [nemiyaədīm]

نمی آمدید [nemiyaədīd]

نمی آمدند [nemiyaədənd]

من دیروز او را دیدم.

من هر روز او را می دیدم.

امسال من هر روز به مدرسه می آیم.

پارسال من هر روز به مدرسه می آمدم.

۱. گفتگو را با همکلاسی هایتان تمرین کنید.

۲. مانند نمونه بنویسید.

من با دوچرخه به مدرسه می آمدم.

ما ...

شما ...

آنها ...

تو ...

او ...

۳. فعل ها را مانند نمونه در زمان گذشته بنویسید.

من به خانه ی دوستم می روم - من به خانه ی دوستم می رفتم

۱) او برای ناظم مدرسه سبب دیر آمدن را توضیح می دهد -

۲) امروز بچه ها در حیاط بازی می کنند -

۳) پدرم در کارخانه کار می کند -

۴) من برای برادرم نامه می نویسم -

۴. معنی تابلوهای انتظامی را می دانید؟



عبور دوچرخه ممنوع

ورود ممنوع

عبور موتورسیکلت ممنوع

ایستادن ممنوع

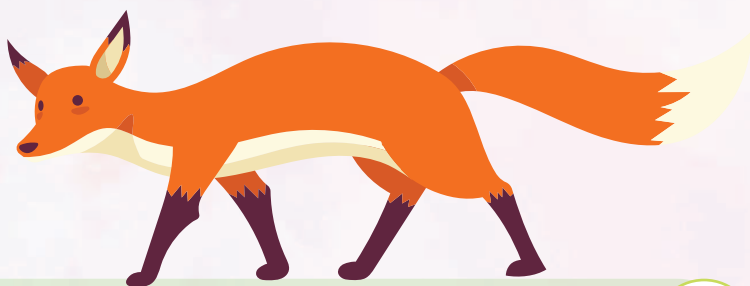
عبور پیاده ممنوع

ایست

## ۵. متن زیر را بخوانید.

### خرگوش ناقل

توی یک جنگل یک خرگوش زندگی می کرد که برخلاف دوستانش اصلاً اهل کار کردن نبود. فقط و فقط به فکر غذای مجانی بود. روزی فکری به ذهنش رسید. با یک عروسک روباه سر راه بقیه خرگوش ها را گرفت و هویچ های ایشان را از آنها دزدید. از آن روز به بعد خرگوش ناقل هر روز به همین شکل غذای خودش را تهیه می کرد. یک روز یک روباه واقعی وارد آن منطقه شد. آن روز فقط خرگوش ناقل توی آن منطقه بود که شکار روباه شد و خرگوش متوجه اشتباهش شد. خرگوش با صدای بلند از دوستانش کمک خواست. همه ی خرگوش ها با هم متحد شدند و روباه را آن قدر کتک زدند که از چنگل فراری شد و دوستانش را نجات دادند. از آن روز به بعد خرگوش ناقل مثل بقیه ی دوستانش به مزرعه می رفت تا کار کند و غذای خودش را تهیه می کند.



#### واژه نامه



متوجه اشتباهش شد [motəvəcceh-e eştebahəş şod]	جنگل [cəngəl]
مزرعه [məzrə'e]	بر خلاف [bər – xelaf – e]
متحد شدن [mottəhed şodən]	اهل کار کردن [əhl – e kar kərdən]
کتک زدن [kotək zədən]	مجانمی [məcconi]
نجات دادن [necat dadən]	دزدیدن [dozdidən]
بقیه [bəğiyye]	ناقل [nağola]
غذا تهیه کردن [ğəza təhiyye kərdən]	واقعی [vağe'i]
فکری به ذهنش رسید [fekri be zəhnəş resid]	شکار [şekar]

## ۶. کدام جمله درست است؟



- ۱) خرگوش بر خلاف دوستانش اهل کار کردن نبود.
- ۲) خرگوش با یک روباه واقعی سر راه بقیه خرگوش ها را می گرفت.
- ۳) خرگوش ها به خرگوش نااقلا کمک نکردند.
- ۴) خرگوش ها روباه را آن قدر کتک زدند که از جنگل فراری شد.



## ۷. واژه های هم معنی را پیدا کنید.

رفیق

واقعی

حیله گر

دوست

حقیقی

وارد شد

داخل شد

نااقلا

## ۸. با توجه به متن واژه های مناسب را به هم وصل کنید.

خرگوش

اهل

غذای

عروسک

مجانی

روباه

کار کردن

نااقلا

## ۹. با واژه های زیر جمله بسازید.

جنگل

دزدیدن

خرگوش

# بهتر است ...

**علی:** این صدا از کجا می آید؟

**زینب:** این همسایه ی ما است، هر روز چند ساعت شیپور می زند.

**علی:** این صدا شما را ناراحت نمی کند؟

**زینب:** چرا! ناراحت می کند. صدای بلند موسیقی او نمی گذارد درس بخوانیم و یا بخوابیم

**علی:** بهتر است با او صحبت کنید.

**زینب:** صحبت کردیم. ولی فایده ای نداشت، چون او در خانه ی خود این کار را می کند.

**علی:** به همسایه ها بگویید و

به پلیس شکایت کنید.

## واژه نامه



شیپور می زند (زند) [ʃeypur mizənəd]

فایده ای نداشت [faydei nədašt]

پلیس [polis]

شکایت کردن [ʃekayət kərdən]

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- این صدا از کجا ...؟
- این همسایه ی ما است، هر روز چند ساعت ... .
- این صدا شما را ...؟
- ... ناراحت می کند. صدای بلند موسیقی او نمی گذارد درس بخوانیم و یا ... .
- بهتر است با او ... .
- صحبت کردیم. ولی ... نداشت، چون او در خانه ی خود این کار را ... .
- به همسایه ها بگویید و به پلیس ... .

## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.



### ۳. سازهای زیر را طبقه بندی کنید.

سازهای زهی

سازهای ضربی

سازهای بادی



نی



طبل



تنبک



تار



ویلن



بالابان



دهل



سنتور



شیپور



کمانچه



نقاره

## ۴. متن زیر را بخوانید.

### دختر و درخت سیب

دختر کوچولو با میخ روی تنه ی درخت نقاشی می کرد. درخت ناراحت شد. شانه اش را پایین آورد و یک سیب به او داد. دختر کوچولو سیب را خورد و دوباره روی تنه ی درخت نقاشی کرد. درخت باز هم ناراحت شد. شاخه اش را به هم گره زد و تاب درست کرد. دختر کوچولو تاب بازی کرد. اما زود خسته شد و دوباره رفت روی تنه درخت نقاشی کرد. هوا گرم بود. درخت با برگ و شاخه هایش سایه درست کرد. دختر کوچولو زیر سایه ی درخت خوابش برد. اما مدتی بعد از خواب بیدار شد و دوباره نقاشی خود را روی تنه ی درخت ادامه داد. درخت این بار خیلی غصه اش گرفت.

اشک از تنه ی درخت روی نقاشی دختر کوچولو ریخت، دختر کوچولو غمگین شد. او فهمید که درخت ناراحت است. درخت را بوسید و لیوان آبی به درخت داد و اینگونه از درخت معذرت خواهی کرد.



#### واژه نامه



خوابش برد [xabəʃ bord]  
ادامه دادن [edame dadən]  
گره زدن [gereh zədən]  
غصه اش گرفت [gəsseəʃ gereft]  
نقاشی کردن [nəgəʃi kərdən]  
معذرت خواهی کردن [mə'zerətʃahi kərdən]

میخ [mix]  
تنه [təne]  
شاخه [ʃaxe]  
باز هم [baz həm]  
اشک [əʃk]  
بوسید [busid]  
سایه [saye]

## ۵. کدام جمله درست نیست؟

- (۱) دختر کوچولو با میخ روی تنه ی درخت نقاشی می کرد.
- (۲) درخت از نقاشی دختر کوچولو خوشحال شد.
- (۳) دختر کوچولو زیر سایه ی درخت خوابش برد و دیگر درخت را ناراحت نکرد.
- (۴) دختر کوچولو لیوان آبی به درخت داد.

## ۶. فعل های زیر را در جای مناسب بنویسید.

نقاشی می کرد - ناراحت شد - داد - پایین آورد - می خورد - تاب بازی کرد - بیدار شد - می فهمید - درست می کرد

ماضی استمراری	ماضی مطلق
می رفت	رفت

## ۷. با توجه به متن قسمت های مناسب را به هم وصل کنید.

سایه درست کرد	درخت شاخه اش را به پایین آورد و
لیوان آبی به درخت داد	درخت شاخه اش را به هم گره زد و
یک سیب به او داد	درخت با برگ و شاخه هایش
تاب درست کرد	دختر درخت را بوسید و

## می خواستم ...

**مادر:** چه اتفاقی افتاده؟

**سامان:** در آشپزخانه غذا می خوردم، یکدفعه سوسیس روی کتاب افتاد. سس خردل را روی کتاب ریختم.

**مادر:** به خواهر گفتی؟

**سامان:** نه، می خواستم بگویم، اما ترسیدم. او مثل همیشه داد و فریاد می کند.

**مادر:** به خواهرت بگو و از او معذرت بخواه. همه ی اینها تقصیر خود خواهرت بود. آشپزخانه جای غذا است، نه جای کتاب.



## نکته ها:



می خواهم  
می خواستم  
می خواستم

بگویم

## واژه نامه



چه اتفاقی افتاده [çe ettefaği oftade]

یکدفعه [yekdəf'e]

سس خردل [sos – e xərdəl]

ترسیدم [tərsidəm]

مثل همیشه [mesl – e həmişe]

تقصیر [təğsir]

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- چه ... ؟
- در آشپزخانه ....، یکدفعه سوسیس روی کتاب افتاد. سس خردل را روی کتاب ... .
- به خواهر ... ؟
- نه، می خواستم ...، اما ترسیدم. او مثل ... داد و فریاد می کند.
- به خواهرت بگو و از او ... . همه ی اینها تقصیر خود خواهرت بود. آشپزخانه جای غذا است، نه ... .

## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

### ۳. در جای نقطه ها شکل مناسب فعل را بنویسید.

- ۱) علی می خواست این رمان را (خواندن).
- ۲) پدرم می خواهد این ماشین را (خریدن).
- ۳) دیروز ما خواستیم به پارک (رفتن).
- ۴) من می خواستم دوچرخه ام را خودم (تعمیر کردن).
- ۵) آنها نمی خواهند این غذا را (خوردن).

### ۴. واژه ها را طبقه بندی کنید.

اتاق خواب	حمام	آشپزخانه

یخچال – وان – فرش – لحاف – سطل آشغال – کاشی – قابلمه  
– آباژور – ماهیتابه – جابابونی – بشقاب – دوش – تخت  
خواب – حوله – کاسه – دستمال کاغذی – بالش – قوری –  
آینه – کارد – جامسواکی – پتو – قاشق – تشک



۵. شعر زیر را بخوانید و حفظ کنید.

## در چشم های مادر

در چشم های مادر  
صد دشت آفتابی  
صد کوهسار پر برف  
صد آسمان آبی  
در چشم های مادر  
خوبی و مهربانی

در چشم های مادر  
آواز باد و باران  
شادابی هزاران  
گلزار در بهاران  
در چشم های مادر  
امید و شادمانی  
محمود کیانوش

واژه نامه



دشت [dəšt]

کوهسار [kuhsar]



۱. گوش کنید و بگویید کدام جمله درست است؟

۱. هیچ کبوتری اجازه نمی دهد که در کنار لانه اش غذا بریزند.
۲. این کار باعث آلودگی و بیماری مردم می شود.
۳. همه ی مردم هرچه آشغال دارند در خانه شان می ریزند.

۲. جمله ی زیر با گزینه ی مناسب کامل کنید.

حیوانات اطراف لانه ی خود را تمیز می کنند تا.

- (الف) در محیطی آلوده زندگی کنند  
(ب) تا در محیطی سالم زندگی کنند  
(ج) تا در محیطی دیگر زندگی کنند

۳. مترادف واژه های زیر را بگویید.

۱. جانور - ۲. تمیز - ۳. حیات - ۴. مرض

۶. با توجه به شعر واژه های مناسب را به هم وصل کنید.

آسمان

کوهسار

دشت

آفتابی

باد و باران

مهربانی

امید و

خوبی و

آواز

آبی

پربرف

شادمانی

۷. لطیفه ی زیر را بخوانید.

**معلم:** چه طور می توانی ثابت کنی  
که عقاب ها چشم های تیزتری  
دارند؟

**شاگرد:** آقا اجازه، شما یک عقاب به  
من نشان دهید که عینک زده باشد.



## باید...

چرا با ما نمی آیی؟

فردا امتحان دارم،  
باید درس بخوانم.فردا روز تولد  
خواهرم است، باید  
برایش هدیه بخرم.کجا می  
روی؟دکتر به تو چه  
گفت؟گفت که باید  
استراحت کنم.



نکته:



باید برویم [bayəd berəvim]  
باید بروید [bayəd berəvid]  
باید بروند [bayəd berəvənd]

باید بروم [bayəd berəvəm]  
باید بروی [bayəd berəvi]  
باید برود [bayəd berəvəd]  
نباید بروم [nəbayəd berəvəm]

دقت کنید:

می خواهم  
می توانم  
بهتر است  
باید

بروم



۱. مانند نمونه بنویسید.

خانه را رنگ می کنم - باید خانه را رنگ کنم

لباسم را اتو می کنم -

شیشه ها را می شوید -

تو به مادرت کمک می کنی -

ما ورزش می کنیم -

۲. جمله ها را به صورت منفی بازنویسی کنید.

۱) من باید کتابی بخرم.

۲) او باید برای دوستش نامه بنویسد.

۳) تو باید با دوستش فارسی صحبت کنی.

۴) ما باید تمرین هایمان را حل کنیم.

۳. جمله های زیر را با کلمه های پررنگ داخل پرانتز سوالی کنید.

- (۱) دیروز با پدرم به سینما رفتیم (کجا).
- (۲) برادرم کت و شلوار سیاه را خرید (کدام).
- (۳) من یک برادر و سه خواهر دارم (چند).
- (۴) من باید چتر بگیرم، چون باران می آید (چرا).
- (۵) ما فردا به تهران می رویم (چه وقت، کی).

۴. متن زیر را بخوانید.

## پارک ما

دیروز زینب با پدر و مادرش به پارک رفت. پارک خیلی شلوغ بود. زینب آقاهاى زیادی را دید که بادکنک و پشمک و تخمه می فروختند. پدرش برای او پشمک خرید. او بعد بچه های زیادی را دید که تاب بازی می کردند. او هم سوار تاب شد. سپس از پله های سر سره بالا رفت و سر خورد. زینب گل ها و چمن های پارک را خیلی دوست دارد، اما هیچ وقت به گل ها دست نمی زند و روی چمن ها راه نمی رود. چون می داند باغبان مهربان پارک برای گل ها و چمن ها خیلی زحمت می کشد.





می فروختند (فروختن) [miforuxtənd]	شلوغ [ʃoluɟ]
سر خوردن [sor xordən]	پشمک [pəʃmæk]
زحمت می کشد (کشیدن) [zəhmət mikesəd]	تخمه [toxme]

### ۵. کدام جمله درست نیست؟

- ۱) دیروز زینب با پدر و مادرش به پارک رفت.
- ۲) پدرش برای زینب بادکنک خرید.
- ۳) زینب از پله های سرسره پایین رفت و سر خورد.
- ۴) زینب هیچ وقت به گل ها دست نمی زند و روی چمن ها راه نمی رود.

### ۷. با واژه های زیر جمله بسازید.

شلوغ

سوار  
شدن

باغبان

### ۶. شکل زمان ماضی فعل های زیر را بگویید.

سوار می شود

می فروشند

می رود

می خرد

می بیند

### ۸. واژه های زیر را در جدول پیدا کنید.

ل	ت	خ	م	ه	ش
پ	ت	م	ی	س	ل
ش	گ	گ	ل	د	و
م	چ	م	ن	ک	غ
ک	س	ر	س	ر	ه

گل - چمن - سرسره -  
شلوغ - تخمه - پشمک

## مسئله ی ریاضی



**مادر:** با که صحبت می کردی؟

**مریم:** زینب بود.

**مادر:** چه می خواست؟

**مریم:** جواب مسئله های ریاضی را می خواست.

**مادر:** چرا؟

**مریم:** چون وقت ندارد خودش آنها را حل کند. دیشب مهمان بود، روز

جمعه هم می خواهد با پدرش به باغ وحش برود.

**مادر:** تو چه گفتی؟

**مریم:** من نمی خواهم جواب مسئله ها را به او بدهم.

**مادر:** چرا؟

**مریم:** چون او می تواند از پدرش کمک بگیرد، می تواند بعداً به باغ وحش

برود و یا روز جمعه زودتر برگردد و مسئله های ریاضی را حل کند.



## واژه نامه



مسئله [mə's'əle]

حل کردن [həl(l) kərdən]

(می تواند) کمک بگیرد (گرفتن)

[komək begirəd]

بعداً [bə'dən]



می تواند برگردد - برگشتن - برگرد

می توانم برگردم [mitəvanəm bərgərdəm] | می توانیم برگردیم [mitəvanim bərgərdim]

می توانی برگردی [mitəvani bərgərdi] | می توانید برگردید [mitəvanid bərgərdid]

می تواند برگردد [mitəvanəd bərgərdəd] | می توانند برگردند [mitəvanənd bərgərdənd]

برداشتن - بردار

می توانم بردارم [mitəvanəm bərdarəm] | می توانیم برداریم [mitəvanim bərdarim]

می توانی برداری [mitəvani bərdari] | می توانید بردارید [mitəvanid bərdarid]

می تواند بردارد [mitəvanəd bərdarəd] | می توانند بردارند [mitəvanənd bərdarənd]

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

— با که صحبت ...؟

— زینب بود.

— چه ...؟

— جواب مسئله های ریاضی را می خواست.

— چرا؟

— چون وقت ندارد خودش آنها را ... دیشب مهمان

بود، روز جمعه هم می خواهد با پدرش به باغ وحش ...

— تو چه گفتی؟

— من نمی خواهم جواب مسئله ها را به او ...

— چرا؟

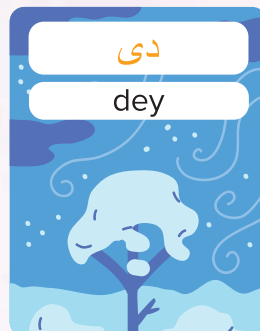
— چون او می تواند از پدرش ...، می تواند بعداً به باغ وحش ... و یا روز جمعه

زودتر ... و مسئله های ریاضی را حل کند.

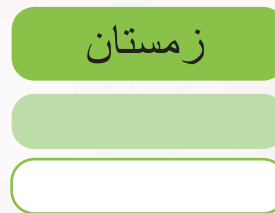
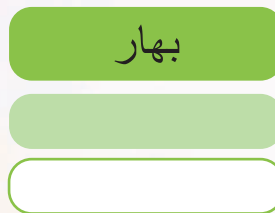
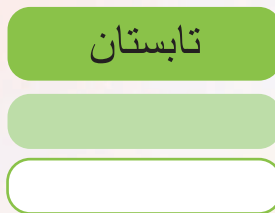
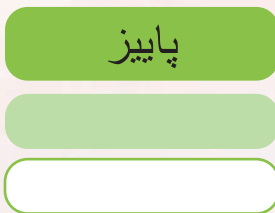


## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

۳. نام های ماههای ایرانی را بخوانید و یاد بگیرید.



۴. ماههای زیر به کدام فصل ها مربوط است؟



آذر، فروردین، دی  
اردیبهشت، اسفند، تیر  
بهمن، مهر، شهریور  
مرداد، آبان، خرداد

## ۵. متن زیر را بخوانید.

### چوپان درست کار

چوپان مرد درست کار و راست گویی بود. او هر روز شیر گوسفندان را می دوشید و به خانه ی صاحب گوسفندها می برد. اما آن مرد در شیرها آب می ریخت و شیر را دو برابر می کرد و به مردم می فروخت.

چوپان هر بار او را نصیحت می کرد، اما صاحب گوسفندها به حرف های چوپان گوش نمی داد. روزی باران شدیدی شروع به باریدن کرد و سیل بزرگی به راه افتاد و همه ی گوسفندان را با خود برد. چوپان گفت: بزرگان می گویند قطره قطره جمع گردد و انگهی دریا شود! این سیل همان آب هایی است که تو در شیر می ریختی و به مردم می فروختی.

#### واژه نامه



می برد (بردن) [mibord]	چوپان [çupan]
شروع کردن (به) [şoru' kərdən]	درست کار [dorostkar]
حرف [hərf]	صاحب [saheb]
سیل [seyl]	راست گو [rastqu]
قطره قطره جمع گردد و انگهی دریا شود [qətre qətre cəm' gərdəd vāŋəhi dərya şəvəd]	می دوشید (دوشیدن) [miduʃid]

## ۶. کدام جمله نادرست است؟

۱. چوپان مرد درست کار و راست گویی بود.
۲. چوپان شیر را به خانه ی صاحب گوسفندان می برد.
۳. صاحب گوسفندان شیر را از چوپان می گرفت و به او آب می داد.
۴. روزی سیل بزرگی همه ی شیرها را به زمین ریخت.
۵. صاحب گوسفندان هیچ وقت به نصیحت چوپان گوش نمی داد.

## ۷. جمله ها را مرتب کنید.

روزی

شروع

به

باران

کرد

ی

باریدن

شدید

سیل

گوسفندها

خود

همه ی

برد

بزرگی

را

با

مرد

به

نمی داد

چوپان

حرف های

گوش

آن

## ۸. کدام جمله ها به تصویر مربوط نیست؟



- ۱) گربه روی کاناپه است.
- ۲) پدر روزنامه می خواند.
- ۳) سگ از لانه اش بیرون می آید.
- ۴) مادر شیشه ها را تمیز می کند.
- ۵) پسر و دختر تلویزیون تماشا می کنند.
- ۶) مادر بزرگ گوسفند ها را می دوشد.





# یادگار ...

درس



**سارا:** انگشتری ات کجا است؟

**زینب:** گم کردم.

**سارا:** کجا؟

**زینب:** در یک فروشگاه پوشاک مشغول امتحان کردن لباسی بودم. ناگهان دیدم که انگشتری نیست.

**سارا:** پیدا نکردی؟

**زینب:** همه جا را گشتم، اما پیدا نکردم.

**سارا:** آن انگشتری گران قیمت بود؟

**زینب:** نه، گران قیمت نبود، اما برای من ارزش زیادی داشت، چون یادگار مادربزرگم بود.

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- انگشتری ات کجا است؟
- ...
- کجا؟
- در یک فروشگاه پوشاک ... امتحان کردن لباسی ... . ناگهان دیدم که انگشتری ...؟
- پیدا نکردی؟
- همه جا را ...، اما پیدا نکردم.
- آن انگشتری ... بود؟
- نه، گران قیمت نبود، اما برای من ...
- زیادی داشت، چون ... مادربزرگم بود.

واژه نامه



انگشتری [ənqəʃtəri]

گم کردن [qom kərdən]

پوشاک [puʃak]

ناگهان [nagəhan]

پیدا کردن [peyda kərdən]

گشتم (گشتن) [gəʃtəm]

گران قیمت [geranqeymət]

ارزش [ərʒeʃ]

یادگار [jad(e)qar]

۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

۳. لوازم زیر به کدام عضو بدن مربوط است؟



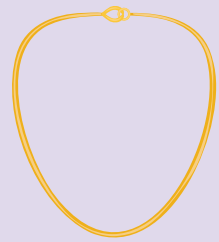
گردن



انگشت



گوش



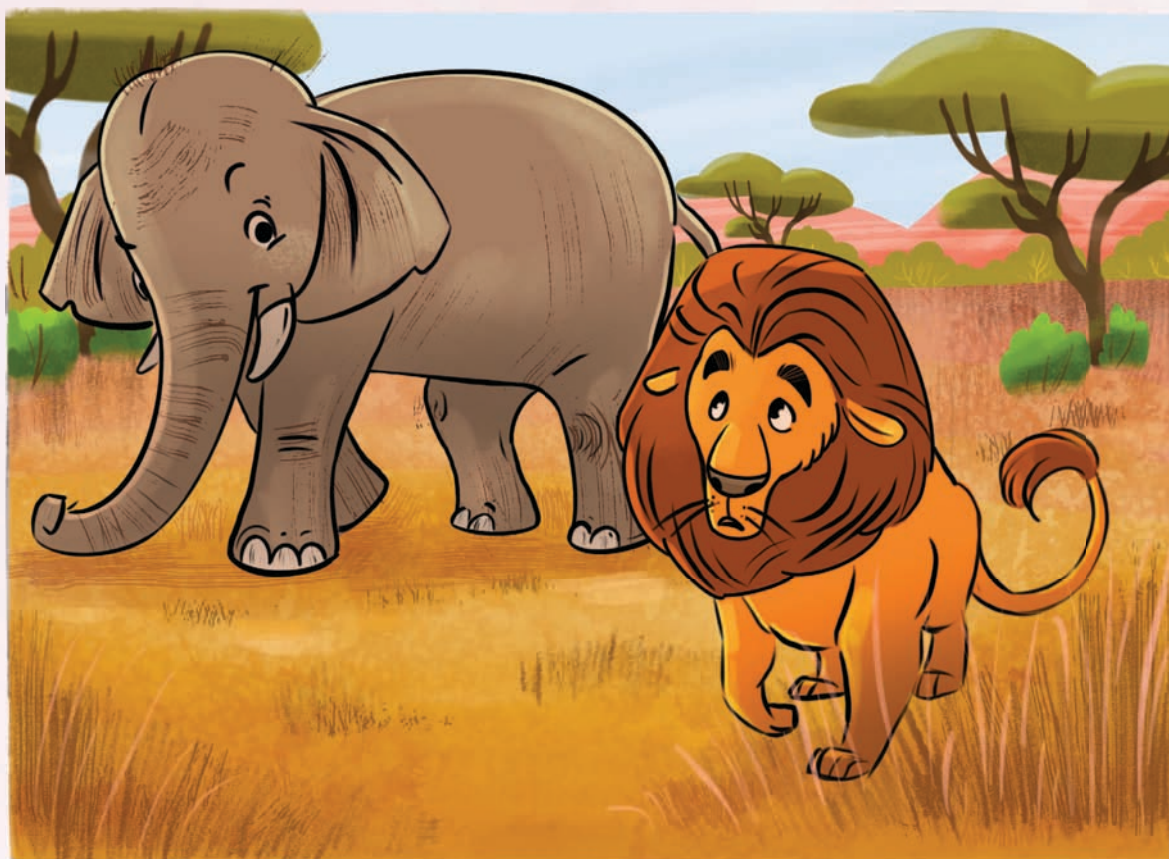
میچ دست



۴. متن زیر را بخوانید.

## قوی ترین حیوان جنگل

شیری از جنگل می گذشت، به هر جانوری که می رسید، می پرسید:  
قوی ترین حیوان جنگل کیست؟  
جانور با ترس و لرز می گفت: البته شما!  
آن گاه شیر سرش را تکان می داد و می گذشت، تا این که به فیلی قوی پیکر رسید،  
از فیل پرسید: قوی ترین حیوان جنگل کیست؟  
فیل خرطومش را دور کمر شیر انداخت. او را از زمین بلند کرد و در هوا چرخاند و  
محکم به زمین انداخت.  
شیر برخاست، خودش را تکان داد و گفت: برادر، فقط از تو سوالی کردم. اگر  
نمی دانی بگو، چرا اوقات تلخ می شود؟  
فیل گفت: من هم فقط خواستم جواب سؤالت را بدهم.



### واژه نامه



قوی پیکر [qəvipekər]

دور [dour]

کمر [kəmər]

انداختن [əndaxtən]

چرخاند [çərxand]

اوقات تلخ شدن [ouğat təlɣ ʃodən]

جانور [canvər]

قوی [qəvi]

با ترس و لرز [ba tərɣ - o - lərz]

آن گاه [anqah]

سر تکان دادن [sər təkən dadən]

### نکته:



قوی - قوی تر - قوی ترین  
خانه ی بزرگ - خانه ی بزرگ تر - بزرگ ترین خانه

۶. مانند نمونه بنویسید.

خیابان بزرگ – بزرگ ترین خیابان

گل زیبا

ساختمان بلند

حیوان کوچک

روز سرد

۵. به پرسش های زیر پاسخ بدهید.

- ۱) شیر از جانوران چه سوالی می کرد؟
- ۲) جانوران به شیر چه جوابی می دادند؟
- ۳) فیل به شیر چه جوابی داد؟
- ۴) شیر به فیل چه گفت؟

۷. کدام واژه ها زمان گذشته و کدام واژه ها زمان حال را نشان می دهد؟

می گذشت

پرسید

نمی دانی

می رسید

می خواهم

چرخاند

می دهم

انداخت

۸. جمله ها را بخوانید و آنها را به ترتیب بنویسید.

- ۱) خرگوش کوچولو به اطراف نگاه کرد.
- ۲) خرگوش کوچولو بدون شستن دستها و صورتش قارچ را خورد.
- ۳) خرگوش کوچولو رفت و رفت تا به وسط جنگل رسید.
- ۴) خرگوش هیچ وقت به حرف های پدر و مادر گوش نمی کرد.
- ۵) بعد از مدتی احساس کرد دلش خیلی درد می کند.
- ۶) یک قارچ بزرگ و قرمز دقت خرگوش کوچولو را جلب کرد.
- ۷) خرگوش کوچولو تصمیم گرفت که دیگر به حرف مادر و پدر گوش کند؟
- ۸) خرگوش کوچولو ناگهان احساس گرسنگی کرد.



# اهمیت دارد که ...

**علی:** چرا دوست تو عصبانی می شود؟  
**فرشاد:** بچه های مدرسه دوستم را اذیت می کنند.

**علی:** چرا؟  
**فرشاد:** دوستم گوش های پهن و بزرگی دارد، اسم مسخره ای روی او می گذارند.

**علی:** آیا برای دوست تو اهمیت دارد که دیگران درباره ی ظاهر او چه فکر می کنند؟  
**فرشاد:** برای او اهمیت دارد.

**علی:** برای تو چطور؟  
**فرشاد:** برای من اهمیت ندارد.

**علی:** تو کسی را به این شکل مسخره می کنی؟  
**فرشاد:** هیچ وقت، این کار بدی است.



## واژه نامه



عصبانی می شود (شدن)  
[ʻəsəbani miʃevə]

اذیت کردن  
[əziyyət kərdən]

پهن  
[pəhn]

مسخره کردن  
[məsxəre kərdən]

مسخره  
[məsxəre]

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- چرا دوست تو ...؟
- بچه های مدرسه دوستم را ... .
- چرا؟
- دوستم گوش های ... و بزرگی دارد، اسم مسخره ای روی او ... .
- آیا برای دوست تو اهمیت دارد که دیگران درباره ی ... او چه فکر می کنند؟
- برای او اهمیت دارد.
- برای تو چطور؟
- برای من ... .
- تو کسی را به این شکل ...؟
- هیچ وقت، این ... است.

## ۲. به سؤال های زیر پاسخ بدهید.

- ۱) برای شما اهمیت دارد که دیگران درباره ی شما چه فکر می کنند؟
- ۲) شما کسی را به این شکل مسخره می کنید؟ چرا؟

## ۳. واژه های زیر را بخوانید.



چاق

لاغر



کوتاه قد

بلند قد



میان وزن



ریشو



کچل



سبیلو



میان قد

۴. آدم های زیر را توصیف کنید.



## ۵. شعر زیر را بخوانید و حفظ کنید.

### هندوانه

واژه نامه

قل دادن [qel dadən]  
قل خوردن [qel خوردən]



قل خورد و افتاد	آن را گرفتم	یک شب که بابا
از پله پایین	از دست بابا	آمد به خانه
شد تکه تکه	مانند یک توپ	دیدم خریده
آن توپ شیرین	قل دادم آن را	یک هندوانه
ناصر کشاورز	...	...

## ۶. لطیفه ی زیر را بخوانید.

شخصی از ملا پرسید: ملا چند سال داری؟ ملا گفت:  
چهل سال. ده سال بعد در شهری دیگر همان شخص ملا را دید و پرسید: ملا اکنون  
چند سال داری؟ ملا گفت: چهل سال. مرد گفت: چطور؟  
تو ده سال پیش هم که من پرسیدم، چهل سال داشتی؟ ملا گفت: چون حرف مرد یکی  
است!



۱. گوش کنید و در جای نقطه ها واژه های مناسب را بنویسید.

برای ... به صورت حرفه ای، اول باید رشته ی ورزشی  
مورد علاقه ی خود را ...

(الف) ورزش کردن - انتخاب کنیم  
(ب) کسب کردن - انتخاب کنیم  
(ج) ورزش کردن - کسب کنیم

۲. کدام جمله به متن مربوط است؟

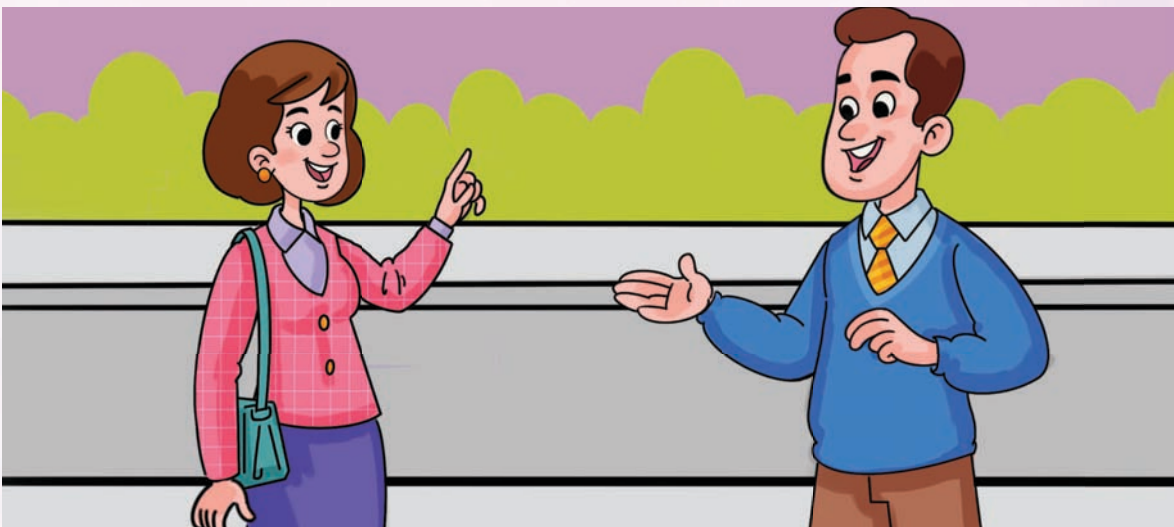
(الف) باران بهاری که از روز گذشته آغاز شده بود، نرم نرمک می بارید.  
(ب) اگر ورزشی را با نظم و ترتیب انجام دهیم، می توانیم در آن رشته  
پیشرفت کنیم.  
(ج) آن روز بعد از درس همراه دوستم به طرف خانه راه افتادیم.



# مستقیم بروید!



**زن:** ببخشید، من می خواهم به تئاتر بروم؟ اما نمی دانم کجاست؟  
**علی:** مستقیم بروید، سمت راست این خیابان ساختمان تئاتر است.



**مرد:** ببخشید، من می خواهم به بانک بروم.

**زن:** بانک آن طرف خیابان است. از این خیابان رد شوید، بعد به راست بپیچید.

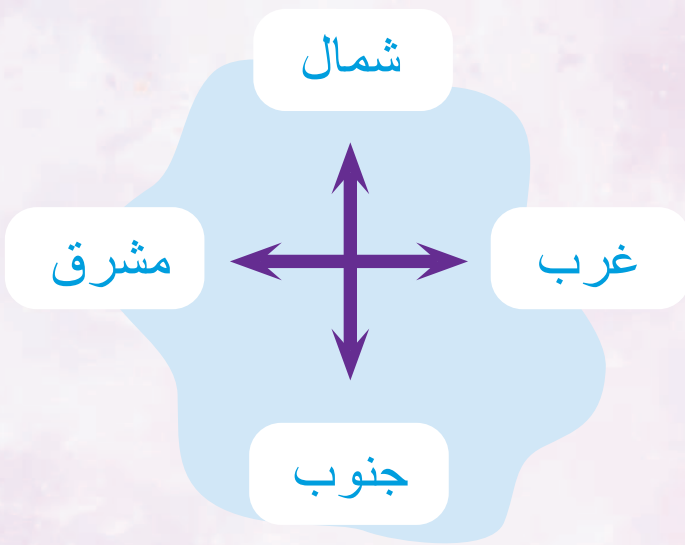
واژه نامه



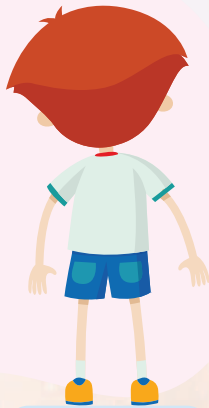
رد شوید (شدن) [rəd(d) šəvid]

بپیچید (پیچیدن) [bepiçid]

۱. واژه های زیر را بخوانید و یاد بگیرید.



جلو



عقب



مستقیم

## ۲. راهنمایی کنید.



علی می خواهد به سینما برود.



زینب می خواهد به سوپرمارکت برود.



نادر می خواهد به بانک برود.



فرشاد می خواهد به پارک برود.

## قورباغه‌ی ناشنوا

چند قورباغه از جنگلی عبور می‌کردند که ناگهان دو تا از آنها به داخل چاه عمیقی افتادند. قورباغه‌های دیگر در کنار گودال جمع شدند و وقتی دیدند گودال چه قدر عمیق است، به آن دو گفتند: چاره‌ای نیست شما به زودی می‌میرید و دو قورباغه این حرف‌ها را نادیده گرفتند و با تمام توانشان کوشیدند که از گودال بیرون بیایند. اما مدام قورباغه‌های دیگر به آنها می‌گفتند دست از تلاش بردارید، چون نمی‌توانید خارج شوید.

سرانجام یکی از دو قورباغه تسلیم شد و به اعماق گودال افتاد و مرد. اما قورباغه‌ی دیگر تمام توانش را برای بیرون آمدن به کار گرفت. قورباغه‌ها فریاد می‌زدند که دست از تلاش بردار. اما او با توان بیشتری تلاش کرد و بالاخره خارج شد. وقتی بیرون آمد معلوم شد که قورباغه ناشنوا است. او در تمام مدت فکر می‌کرد که دیگران او را تشویق می‌کنند.





کوشیدن [kuʃidənd]	عبور کردن [ʻobur kərdən]
مدام [modam]	چاه [çah]
دست بردارید [dəst bərdarid]	عمیق [ʻəmiğ]
سرانجام [səranɟam]	گودال [qoudal]
اعماق [ʻəmağ]	چاره ای نیست [çare – i nist]
تلاش کردن [tələʃ kərdən]	بزودی [bezudi]
بالاخره [beləxəre]	می میرید (مردن) [mimirid]
ناشنوا [naʃənəva]	نادیده گرفتن [nadide gereftən]
تشویق کردن [təʃviq kərdən]	با تمام توان [batəmam – e təvan]

#### ۴. کدام جمله درست نیست؟

- ۱) دو تا از قورباغه ها به داخل چاه عمیقی افتادند.
- ۲) قورباغه های دیگر دو قورباغه را گذاشتند و رفتند.
- ۳) قورباغه ها دو قورباغه را تشویق می کردند.
- ۴) یکی از قورباغه ها به اعماق چاه افتاد و مرد.
- ۵) حرف های قورباغه ها به قورباغه ی ناشنوا کمک کرد.



#### ۵. با توجه به متن واژه های مناسب را به هم وصل کنید.

اعماق

در تمام

با تمام

چاه

توان

عمیق

مدت

گودال



## ۶. واژه های هم معنی را به هم وصل کنید.



## ۷. با توجه به متن در جای نقطه ها واژه ی مناسب را بنویسید.

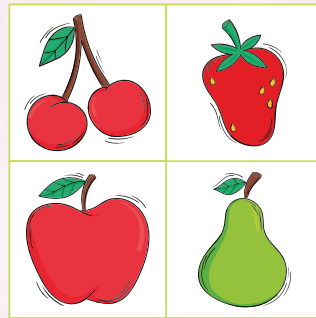
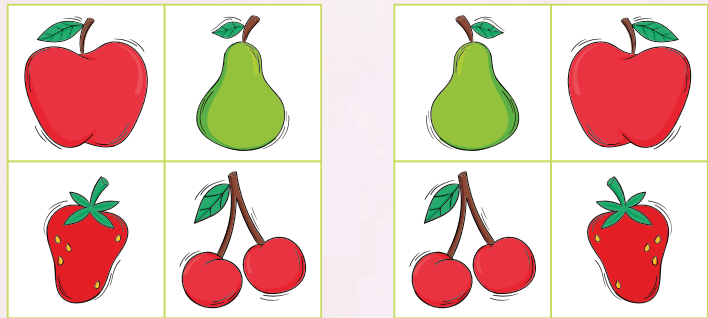


چند قورباغه از ... عبور می کردند.  
 دو تا از قورباغه ها به داخل ... عمیقی افتادند.  
 قورباغه های دیگر در کنار گودال ...  
 قورباغه ها با تمام توانشان ... که از گودال بیرون بیایند.  
 سرانجام یکی از قورباغه ها ... و به اعماق گودال افتاد و مرد.  
 وقتی قورباغه بیرون آمد معلوم شد که او ... است.  
 قورباغه در تمام مدت فکر می کرد که دیگران او را ...

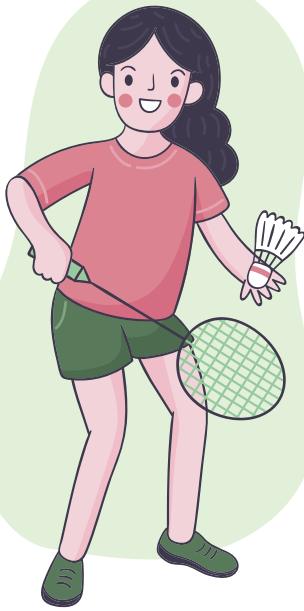
## مرور کنیم

۱. به تصویرها نگاه کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید.

(۱) کدام سیب سمت راست است؟



(۲) راکت در کدام دست دختر است؟



(۳) کدام جانور به سمت راست می رود؟



## ۲. مانند نمونه بنویسید.

بزرگ ترین

بزرگ

زیبا

به

بلند

ترین

## ۳. جمله ها را کامل کنید.

- ۱) علی به صحبت معلم خوب ... (گوش می کند، می شنود).
- ۲) او دست و صورتش را با ... خشک می کند (صابون، حوله).
- ۳) همه می دانند لباس ... باعث بیماری می شود (تمیز، کثیف).
- ۴) ... دیوارها را رنگ آمیزی می کند (قناد، نقاش).
- ۵) ... با چوب و میخ کمد می سازد (کفاش، نجار).

## ۴. کدام واژه ها زمان گذشته و کدام واژه ها زمان حال را نشان می دهد؟

دیدم

می  
خواست

گذاشتند

می  
نوسیم

اذیت می  
کنند

کوشیدند

می  
بینیم

می  
رفت



## ۵. کدام واژه با بقیه مرتبط نیست؟

- (۱) جنوب شمال کشور شرق غرب  
(۲) چاق دانا لاغر کوتاه قد بلند قد  
(۳) دامن انگشتی گردنبند زنجیر گوشواره  
(۴) مهر مرداد فروردین آذر پاییز  
(۵) چنگال بشقاب دوش کاسه کارد

## ۶. در جای نقطه ها واژه ی مناسب را بنویسید.

بامزه

هوش

سواد

با ارزش

- (۱) با سواد یعنی کسی که ... دارد.  
(۲) ... یعنی چیزی که ارزش دارد.  
(۳) با هوش یعنی کسی که ... دارد.  
(۴) ... یعنی چیزی که مزه دارد.

## ۷. به تصویر با دقت نگاه کنید و سپس به سؤال ها پاسخ دهید.

- (۱) پسر و دختری که در شکل می بینید، چه کاری انجام می دهند.  
(۲) در قفسه چه چیزهایی می بینید؟  
(۳) چند تابلو روی دیوار قرار دارد؟  
(۴) لامپ کدام سمت تلویزیون است؟  
(۵) گلدان کجا قرار دارد؟



# می دانم که ...

# ۲۱

درس

واژه نامه



مشق [məʃq]

مرسی [mersi]

سیر [sir]

**مادر:** پسرم، مشق هایت را نوشتی؟  
**علی:** بلی، نوشتم.

**مادر:** برویم پیش مادر بزرگ.

**مادر بزرگ:** بیسکویت بخورید!

**علی:** نه، مرسی، سیرم.

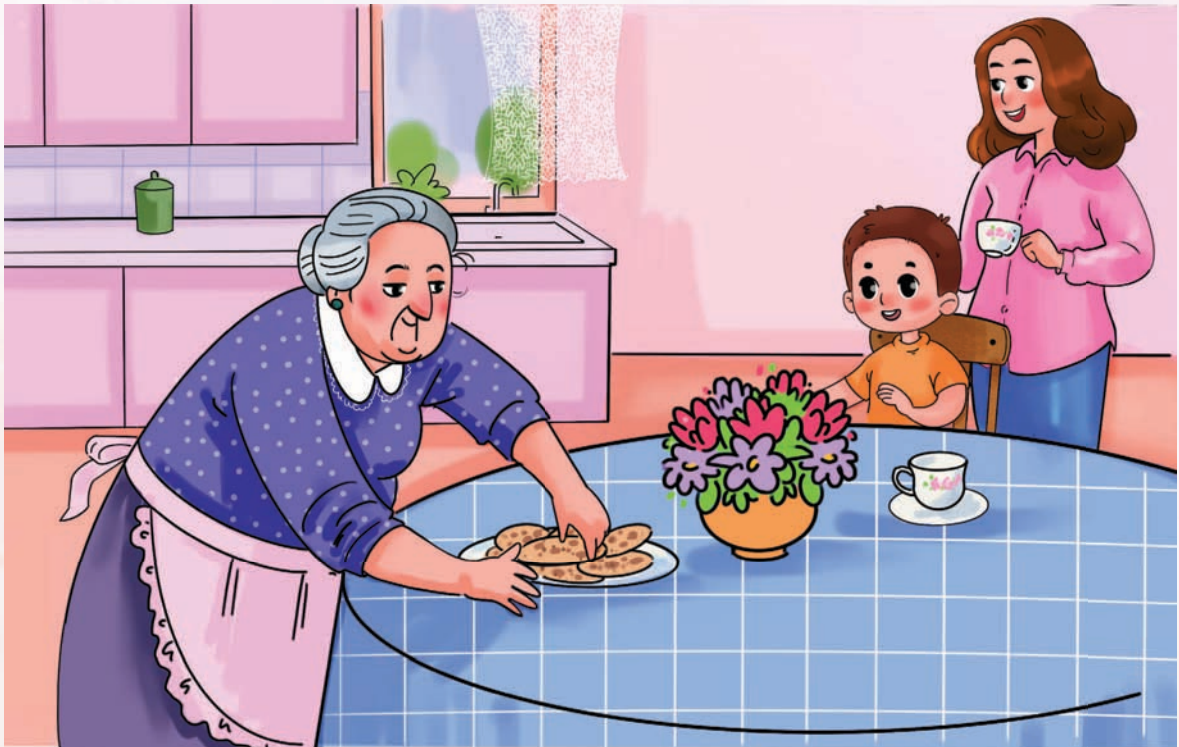
**مادر بزرگ:** دروغ نگو! می دانم که شام نخورده اید!

**علی:** من می خواهم پیش مادر بزرگ بمانم.

**مادر:** خوب، برو مسواک بزن، شب بخیر!

**علی:** مسواک ندارم.

**مادر بزرگ:** من مسواک نو دارم.





## خورده اید - خوردن - خورد + ه - خورده

[ma xordeim]	ما خورده ایم	[mən xordeəm]	من خورده ام
[ʃoma xordeid]	شما خورده اید	[to xordei]	تو خورده ای
[anha xordeənd]	آنها خورده اند	[u xorde əst]	او خورده است

[ma nəxordeim]	ما نخورده ایم	[mən nəxordeəm]	من نخورده ام
[ʃoma nəxordeid]	شما نخورده اید	[to nəxordei]	تو نخورده ای
[anha nəxordeənd]	آنها نخورده اند	[u nəxorde əst]	او نخورده است

او دیروز به مدرسه رفت.  
او پارسال هر روز به مدرسه می رفت.  
او امروز به مدرسه رفته است.

مقایسه کنید.

## ۱. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

## ۳. مانند نمونه بنویسید.

رفته ام

رفته ای

رفته است

رفتن

دیدن، شنیدن، گفتن

## ۲. مانند نمونه جمله ها را کامل کنید.

ما ...

شما ...

آنها ...

من آشغال را در  
زباله دان ریخته ام

تو ...

او ...

۴. متن زیر را بخوانید.

## بلدرچین و برزگر

دو بلدرچین با جوجه های خود در کشتزاری زندگی می کردند. صاحب کشتزار برای درو کردن یک بار پسرش را نزد همسایه ها و بار دیگر نزد خویشان خود فرستاد تا آن ها به کمکشان بیایند و با هم کشتزار را درو کنند، اما کسی نیامد. سرانجام کشاورز و پسرش تصمیم گرفتند خودشان کشتزار را درو کنند. بلدرچین ها با شنیدن این جمله گفتند: دیگر جای ماندن نیست. حالا که دهقان تصمیم گرفته است خودش کار را انجام دهد باید از اینجا برویم.



واژه نامه



درو کردن [derou kərdən]

کشاورز [kešavərz]

دهقان [dehğan]

خویشان [xišan]

برزگر [bərzgər]

بلدرچین [belderçin]

کشتزار [keštzar]

۵. کدام جمله درست است؟

- ۱) دو بلدرچین با جوجه های خود در جنگلی زندگی می کردند.
- ۲) برزگر پسر را نزد خویشان فرستاد و آن ها به کمک برزگر آمدند.
- ۳) وقتی کسی به کمک برزگر نیامد خودش تصمیم گرفت کشتزار را درو کند، بلدرچین ها فهمیدند دیگر جای ماندن نیست.
- ۴) برزگر و دهقان هر دو به معنی کشاورز است.

## ۶. واژه ها و جمله های مناسب را به هم وصل کنید.

کاری که در زمان حال اتفاق می افتد.

برزرگر

به عمل چیدن گندم می گویند

کشتزار

به معنی کشاورز است

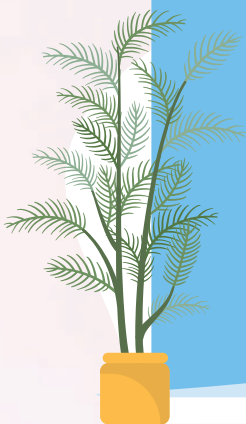
درو

به زمین کشاورزی می گویند

خویشان

هم معنی قوم و اقوام است

می نویسد



## ۷. جاهای خالی را با واژه های مناسب پر کنید.

تعجب

خویشان

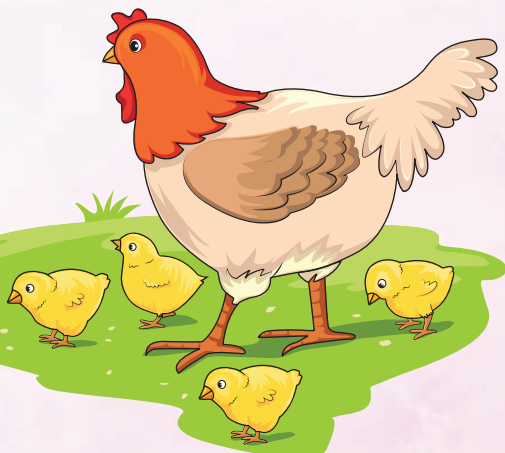
کشتزاری

دنبال

برزرگر

خراب

جوجه ها ... کردند و از آنها دلیلش را پرسیدند.  
دو بلدرچین با جوجه های خود در ... زندگی می کردند.  
بلدرچین ها روزها به ... غذا به صحرا می رفتند.  
هر چه ... و پسرش به انتظار نشستند، کسی نیامد.  
برزرگر پسر را نزد ... خود فرستاد.  
فردا لانه ی ما ... می شود.



# باید صبر کنیم

۲۲

درس

علی و احمد در خانه ی فرشاد بودند. ناگهان تمام چراغ ها خاموش و همه جا تاریک شد.  
**علی:** از پنجره به بیرون نگاه کن، ببین برق تمام خانه و محله خاموش شده است؟

**احمد:** بلی، برق تمام محله خاموش شده است.

**علی:** فرشاد، شما چراغ قوه دارید؟

**احمد:** نه، نداریم.

**علی:** پس شمع یا کبریت چطور؟

**احمد:** شمع داریم.

**علی:** بیاور روشن کنیم.

**احمد:** حالا باید چه کار کنیم؟

**علی:** باید صبر کنیم تا برق را وصل کنند.



واژه نامه



شمع [ʃəm']

روشن کردن [rouʃən kərdən]

صبر کردن [səbr kərdən]

وصل کردن [vəsl kərdən]

خاموش شدن [xamuʃ ʃodən]

چراغ قوه [çerağ (e) qovve]

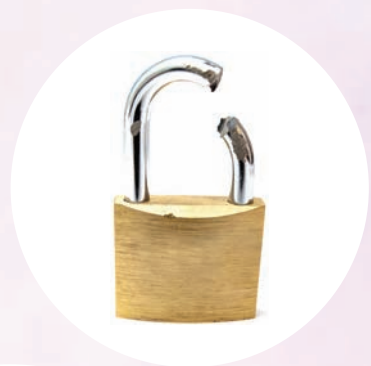
کبریت [kebrit]

## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- از پنجره به بیرون نگاه کن، ببین ... تمام خانه و محله ...؟
- بلی، برق تمام محله خاموش شده است.
- فرشاد، شما ... دارید؟
- نه، نداریم.
- پس ... یا کبریت چطور؟
- شمع داریم.
- بیاور ...
- حالا ... چه کار کنیم؟
- باید صبر کنیم تا برق را ...

## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

## ۳. جمله ها و تصویر های مناسب را به هم وصل کنید.



قفل شکسته است.

برق قطع است.

شیر آب چکه می کند.

لوله ها یخ زده است.

پنجره شکسته است.

## ۴. متن زیر را بخوانید.

### استفاده از برق

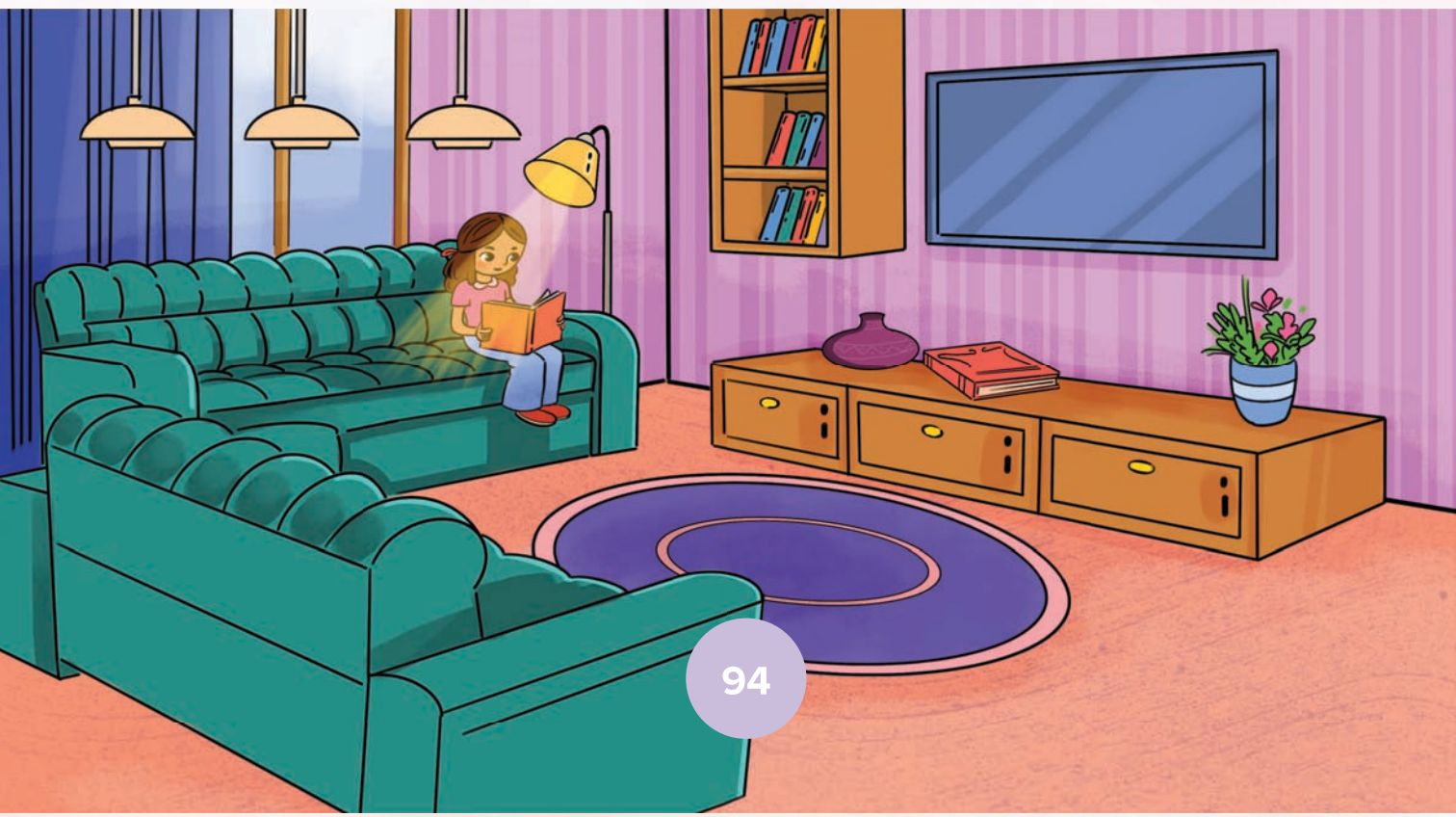
سارا دختر دانایی است. او می داند که برق هم مانند آب خیلی با ارزش است. سارا برای روشن کردن خانه هیچ وقت از لوستر استفاده نمی کند. چون می داند لوستر لامپ های زیادی دارد و اگر آن را روشن کند، برق خیلی زیادی هدر می رود. یک روز سارا شنید که در یک برنامه ی تلویزیونی از لامپ های کم مصرف صحبت می کنند. او فهمید لامپ های کم مصرف، لامپ هایی هستند که برق خیلی کمی مصرف می کنند. سارا هیچ وقت تلویزیون را بیهوده روشن نمی گذارد: چون می داند تلویزیون برق خیلی زیادی مصرف می کند. سارا می داند که یخچال هم با برق کار می کند. او می داند کار یخچال خنک کردن هوای داخل یخچال است. سارا هیچ وقت در یخچال را زیاد باز نمی گذارد. سارا می داند که کولر و پنکه هوای خانه را خنک می کنند و آنها هم با برق کار می کنند.

#### واژه نامه



کم مصرف [kəmməsɾəf]  
مصرف کردن [məsrəf kərdən]  
بیهوده [bihude]  
پنکه [pənke]

دانا [dana]  
لوستر [lust(e)r]  
هدر رفتن [hədər rəftən]  
برنامه [bərname]





## ۵. در جای نقطه ها گزینه ی مناسب را بنویسید.

- ۱) سارا برای ... (خاموش کردن، مصرف کردن، روشن کردن) خانه هیچ وقت از لوستر استفاده نمی کند.
- ۲) یک روز سارا شنید که در یک ... (برق، برنامه، رادیو) تلویزیونی از لامپ های کم مصرف صحبت می کنند.
- ۳) سارا می داند که تلویزیون برق خیلی زیادی ... (مصرف می کند، استفاده می کند، تولید می کند).
- ۴) سارا می داند که کولر و پنکه هوای خانه را ... (گرم می کند، داغ می کند، خنک می کند).

## ۶. به واژه های زیر کم اضافه کنید و معنی آنها را پیدا کنید.



## ۷. فعل های زیر را در جای مناسب قرار دهید.

ماضی نقلی	ماضی مطلق	زمان حال
گذاشته است	شنید	استفاده می کند

نگاه کردم، کار می کنند، خوانده است، می گذارد، خوردند، خاموش شده است، آمدیم، رفتند، مصرف می کنیم، نوشته اند، می داند، گفته ایم



## بعد چه شد؟

**احمد:** چه اتفاقی افتاده؟

**جاوید:** نیمه شب سرفه ام گرفت، از خواب پریدم چشمانم می سوخت.

**احمد:** بعد چه شد؟

**جاوید:** دیدم از همه جا بوی دود می آید. فریاد زدم، اما کسی جواب نمی داد.

**احمد:** بعد چه شد؟

**جاوید:** دیدم که خانه ی همسایه آتش گرفته است.

**احمد:** بعد چه کردی؟

**جاوید:** با آتش نشانی تماس گرفتیم، آدرس خانه را به آنها دادم. ماموران آتش نشانی رسیدند و آتش را خاموش کردند.

## نکته:



أ  
مأمور mə`mur  
تأثیر tə`sir  
تألیف tə`lif

## واژه نامه



دود [dud]  
آتش گرفتن [atəʃ gereftən]  
مأمور آتش نشانی [məmur - e atəʃneʃani]  
آتش نشان [atəʃneʃan]  
سرفه گرفتن [sorfe gereftən]  
نیمه شب [nime ʃəb]  
سوختن [suxtən]  
از خواب پریدن [əz xab pəridən]



۱. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

۲. از ابزار زیر برای چه استفاده می کنیم.

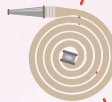


کلاه ایمنی

عینک ایمنی



ماسک تنفس



ماشین آتش نشانی



کیسول آتش نشانی

۳. مانند نمونه جمله ها را کامل کنید.

او ...

تو ...

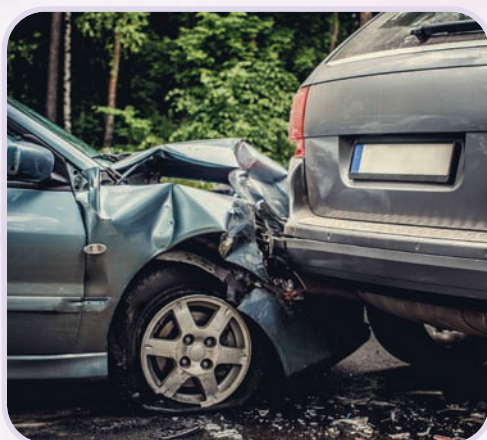
من سرفه ام گرفت.

آنها ...

شما ...

ما ...

۴. جمله ها و تصویرهای مناسب را به هم وصل کنید.



انفجار

تصادف  
اتومبیل

آتش

زلزله

فوران کوه  
آتشفشان

سیل



## دست من زخمی شد

توی بازی یک روز  
بر زمین افتادم  
دست من زخمی شد  
گریه را سر دادم

اولین بار آن روز  
خون خود را دیدم  
هم تعجب کردم  
هم کمی ترسیدم

زخم دستم خوب شد  
جای آن اما ماند  
یادگار آن روز  
روی دستم جا ماند  
ناصر کشاورز



واژه نامه

زخمی شدن  
[zəxmi ʃodən]  
گریه سر دادن  
[gerye sər dadən]  
خون [xun]  
ترسیدن [tərsidən]



## ۶. شکل زمان حال فعل های زیر را پیدا کنید.

افتادم	می بینم	ترسیده ام
زخمی شد	می ترسیدم	می دیدم
دیدم	می افتم	می افتادم
ترسیدم	می ترسم	زخمی می شود
	زخمی می شود	دیده ام

## ۷. لطیفه ی زیر را بخوانید.

ملا سه جفت عینک خرید، مردم گفتند: معمولاً دو جفت عینک می خرند، یکی برای دور، یکی برای نزدیک. ملا گفت: بله، اما یک جفت دیگر هم لازم است برای پیدا کردن دو جفت عینک که اغلب گم می شود!



۱. گوش کنید و بگویید کدام جمله درست است؟

۱. دانشمند در اتاق خود مشغول کتاب خواندن بود.
۲. بچه ی همسایه از دانشمند کتاب می خواست.
۳. دانشمند نزدیک آتشدان رفت و کمی خاکستر سرد برداشت.

۲. کدام یک از گزینه های زیر با بقیه هم معنی نیست؟

(الف) سرگرمی      (ب) کوشش      (ج) سعی

۳. "دانشمند" با کدام یک از گزینه های زیر هم ریشه است؟

(الف) دانش آموز      (ب) دبستان      (ج) شاگرد

# کجاییت درد می کند؟

# ۲۴

درس

با خواهر کوچک ترم در خانه توپ بازی می کردیم.  
پای او لغزید و افتاد. من فوراً او را نزد دکتر بردم.

**دکتر:** کجاییت درد می کند دخترم؟

**دختر:** آقای دکتر، دستم خیلی درد می کند.

**دکتر:** الان معاینه ات می کنم. دستت را حرکت نده.

**دختر:** شکسته است؟

**دکتر:** ناراحت نباش. الان دستت را گچ می گیرند، باید چند روز استراحت کنی.

**دختر:** این گچ ها را کی از دستم باز می کنید؟

**دکتر:** وقتی استخوان شکسته ی دستت جوش خورد گچ ها را از دستت باز می کنیم.

واژه نامه



لغزیدن [ləgzidən]

حرکت دادن [hərəkət dadən]

گچ گرفتن [gəç gereftən]

جوش خوردن [cuş xordən]

استخوان [ostoxan]

شکسته [šekəste]

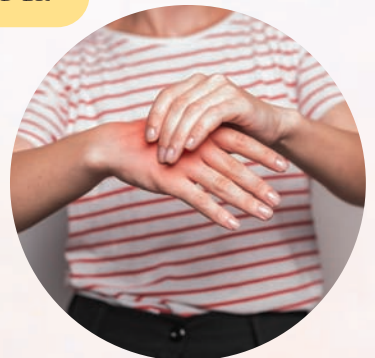


## ۱. گفتگو را کامل کنید.

۲. گفتگو را با هم کلاسی  
هایتان صحنه سازی کنید.

- کجایت ... دخترم؟
- آقای دکتر، ... خیلی درد می کند.
- الان ... دستت را حرکت نده.
- شکسته است؟
- ناراحت ... الان دستت را ...، باید چند روز استراحت ...
- این گچ ها را کی از دستم ...؟
- وقتی استخوان شکسته ی دستت ... گچ ها را از دستت باز می کنیم.

## ۳. به تصویر ها نگاه کنید و بگویید کدام جمله به کدام تصویر مربوط است؟



دست خود را  
سوزانده است

سرما خورده است

او آلرژی دارد

تب دارد

خفه می شود

استخوانش را  
شکسته است



## ۴. متن زیر را بخوانید.

### در مطب

فاطمه مریض شده است. مادرش او را به مطب دکتر می برد. فاطمه هیچ وقت در مطب دکتر گریه نمی کند. جواد وقتی داخل شد، اول سلام کرد و بعد روی صندلی، نزدیک دکتر نشست. دکتر از او چند سؤال کرد، فاطمه هم با دقت به سؤال های دکتر جواب داد. دکتر او را معاینه کرد و بعد برایش نسخه نوشت. بین دارو ها آمپول هم بود. او از آمپول می ترسد. دکتر به او گفت که بیش تر استراحت کند و کم تر بازی کند. فاطمه هم چند روز در خانه استراحت کرد، همه ی داروهایش را خورد و حالش خیلی زود خوب شد.

#### واژه نامه



مطب [mətəb(b)]

گریه کردن [gerye kərdən]

وارد شدن [vared şodən]

با دقت [badeqqət]

نسخه نوشتن [nosxe neveştən]

زود [zud]



## ۵. به سؤال های زیر پاسخ بدهید.

- ۱) چرا مادر فاطمه او را به مطب دکتر می برد؟
- ۲) قبل از معاینه دکتر چه می کند؟
- ۳) دکتر برای فاطمه چه نوشت؟
- ۴) وقتی که شما به مطب دکتر می روید چه می کنید؟

## ۶. در جای نقطه ها حرف اضافه ی مناسب را بنویسید.

- ۱) فاطمه هیچ وقت ... (از، در، به) مطب دکتر گریه نمی کند.
- ۲) او بعد ... (زیر، روی، پهلو) صندلی نزدیک دکتر نشست.
- ۳) دکتر ... (از، در، برای) فاطمه نسخه نوشت.
- ۴) دکتر ... (به، از، در) فاطمه چند سؤال کرد.
- ۵) فاطمه با دقت ... (از، به، در) سؤال های دکتر جواب داد.

## ۷. برای عبارت های زیر فعل های مناسب را پیدا کنید.

می بینیم

می شنوم

حس می  
کنم

نغمه های پرندگان را ...  
همه زیبایی ها را ...  
بوی بهترین عطرها را ...

## ۸. با دیدن تصویر زیر شبکه ی معنایی مرتبط با آن را بنویسید.



# معلم سختگیر

# ۲۵

درس



**علی:** معلم جدید شما آمد؟

**احمد:** بلی، با آمدن او زندگی کلاس ما جهنم شده است.

**علی:** چرا؟ او معلم سختگیری است؟

**احمد:** او هیچ وقت لبخند نمی زند، هیچ وقت با بچه ها شوخی نمی کند.

**علی:** این خوب نیست؟

**احمد:** او حتی برای جا انداختن نقطه در آخر جمله نمره کم می کند. خلاصه همه ناراضی هستند.

**علی:** پدر و مادرت چه می گویند؟

**احمد:** آنها از معلم جدید خیلی راضی هستند.

واژه نامه



سختگیر [səxtgɪr]

حتی [hətta]

جهنم [cəhənnəm]

شوخی کردن [ʃuxi kərdən]

جا انداختن [ca əndaxtən]

نمره [nomre]

خلاصه [xolase]

## ۱. گفتگو را کامل کنید.



- معلم جدید شما ...؟
- بلی، با ... او زندگی کلاس ما ... ..
- چرا؟
- او معلم ... است. او هیچ وقت لبخند نمی زند، هیچ وقت با بچه ها ...
- این خوب نیست؟
- او حتی برای ... نقطه در آخر جمله ... کم می کند. خلاصه همه ناراضی هستند.
- پدر و مادرت چه می گویند؟
- آنها از معلم جدید خیلی ...

## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

## ۳. به تصویرها نگاه کنید و واژه ها و تصویرهای مناسب را به هم وصل کنید.





عصبانی

ترسیده

هیجان زده

خوشحال

افسرده

ناامید

متنفر

متعجب

نگران

خونسرد

سرافراز



## چاه مشکلات

کشاورزی الاغ پیری داشت. یک روز الاغ از سر اتفاق به یک چاه بدون آب افتاد. کشاورز هر چه سعی کرد نتوانست الاغ را از درون چاه بیرون بیاورد. پس برای این که حیوان بیچاره زیاد زجر نکشد، کشاورز و مردم روستا تصمیم گرفتند چاه را با خاک پر کنند تا الاغ زودتر بمیرد و مرگ تدریجی باعث عذابش نشود. مردم با سطل روی سر الاغ خاک می ریختند، اما الاغ هر بار خاک های روی بدنش را می تکاند و زیر پایش می ریخت و هر چه خاک زیر پایش بالاتر می آمد، سعی می کرد روی خاک ها بایستد.

روستاییان همین طور به خاک ریختن ادامه دادند و الاغ هم همین طور به بالا آمدن تا این که به لبه ی چاه رسید و در حیرت کشاورز و روستاییان از چاه بیرون آمد.





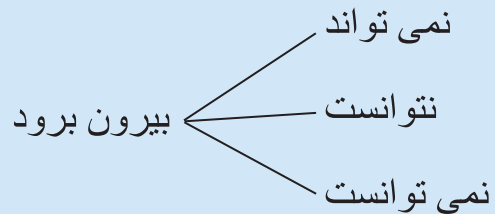
[sətl] سطل	[olağ] الاغ
[ba'es şodən] باعث شدن	[əz sər – e ettefaq] از سر اتفاق
[təkandən] تکاندن	[bedun – e ab] بدون آب
[ləbe] لبه	[zəcr keşidən] زجر کشیدن
[heyret] حیرت	[xak] خاک

توانست بیرون بیاورد

نکته:



[nətvānestim berəvim] نتوانستیم برویم	[nətvānestəm berəvəm] نتوانستم بروم
[nətvānestid berəvid] نتوانستید بروید	[nətvānesti berəvi] نتوانستی بروی
[nətvānestənd berəvənd] نتوانستند بروند	[nətvānest berəvəd] نتوانست برود



۵. کدام جمله نادرست است؟

- ۱) یک روز الاغ از سر اتفاق به درون یک چاه آب افتاد.
- ۲) کشاورز هر چه سعی کرد نتوانست الاغ را از درون چاه بیرون بیاورد.
- ۳) کشاورز و مردم روستا تصمیم گرفتند چاه را با خاک پر کنند تا الاغ از چاه بیرون بیاید.
- ۴) الاغ نتوانست از چاه بیرون بیاید.



## ۶. واژه های هم معنی را به هم وصل کنید.

کنار

زارغ

خر

دهقان

شکنجه

الاغ

روستایی

زجر

لبه

کشاورز

## ۷. در جای نقطه ها فعل مناسب را بنویسید.

- ۱) دیروز ... (نتوانستم، نتوانست، نتوانستی) با او صحبت کنم.
- ۲) او هر چه سعی کرد ... (نتوانستم، نتوانست، نمی توانم) به او کمک کند.
- ۳) ما دیروز ... (نتوانستند، نمی توانیم، نتوانستیم) به جشن تولد او برویم.
- ۴) مادرم نتوانست همه ی ظرف ها را ... (شست، می شست، بشوید).
- ۵) من توانستم تمرین هایم را ... (حل کردم، حل کند، حل کنم).



۱. گوش کنید و بگویید کدام جمله درست است؟

۱. روزی که به کودکان آمدم خواندن و نوشتن می دانستیم.
۲. معلم به ما خواندن و نوشتن یاد داد.
۳. معلم به ما یاد داد که همیشه پاکیزه باشیم تا خسته نشویم.

۲. گوش کنید و بگویید که کدام فعل ها در متن بکار نرفته است؟

- (الف) راهنمایی کرد - نمی دانستیم  
(ب) یاد داد - احترام بگذاریم  
(ج) یاد گرفتیم - رفتیم

۳. با توجه به متن بگویید که معلمان به شما چه چیزهایی را یاد داد.

- معلم به ما یاد داد که ...  
معلم به ما یاد داد که ...



## پلیس آمد

واژه نامه



تماس گرفتن

[təmas geræftən]

بی اجازه

[biecaze]

هنوز هم

[hənuz həm]

**جاوید:** چه اتفاقی افتاده؟**زینب:** وقتی که از مدرسه به خانه برگشتم، دیدم که در خانه باز است.**جاوید:** چه کردی؟**زینب:** ترسیدم و به خانه وارد نشدم، به خانه ی همسایه مان رفتم.**جاوید:** بعد ...**زینب:** از خانه ی همسایه با پلیس تماس گرفتم، پلیس ها آمدند و وارد خانه شدند.**جاوید:** بعد چه شد؟**زینب:** فردی که بی اجازه وارد خانه شده بود هنوز هم آنجا بود، پلیس ها او را گرفتند و بردند.

نکته:



وارد شده بودیم [vared şode budim]  
وارد شده بودید [vared şode budid]  
وارد شده بودند [vared şode budənd]

وارد شده بودم [vared şode budəm]  
وارد شده بودی [vared şode budi]  
وارد شده بود [vared şode bud]

مقایسه کنید:

امروز رفته ام  
دیروز رفته بودم

## ۱. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.



## ۲. مانند نمونه جمله ها را کامل کنید.

ما ...

من با پدر و مادرم به تهران رفته بودم.

شما ...

تو ...

آنها ...

او ...

۳. جمله ها را بخوانید و آن ها را به تصویرهای مناسب وصل کنید.



مجرم



قاضی



زندانی



وکیل مدافع



دزد



شاهد

کسی که حکم صادر می کند.  
کسی که در زندان نگهداری می شود.  
کسی که مال دیگران را می دزدد.  
کسی که حادثه را می بیند و  
درباره ی آن در دادگاه گواهی می دهد.  
کسی که از متهم دفاع می کند.  
کسی که مرتکب جرم می شود.



#### ۴. جمله ها را مرتب کنید.

- (۱) کهنه پدرم را فروخته ماشین بود
- (۲) او من بود برگشتم وقتی که رفته
- (۳) را آمد بودم من تمام وقتی که تمرین هایم مادر داده انجام

#### ۵. شعر زیر را بخوانید و حفظ کنید.

### ستاره

آن دیگری را	باد آسمان را
دادم به مادر	دیشب تکان داد
دیدم که مانده	سه تا ستاره
یک دانه دیگر	در دستم افتاد
...	...
آن را به بالا	بودند آن ها
پرتاپ کردم	بسیار زیبا
این کارها را	یک دانه اش را
در خواب کردم	دادم به بابا
ناصر کشاورز	...



#### ۶. لطیفه ی زیر را بخوانید.

**اولی:** این چه مدل جورابی است که تو پوشیده ای؟  
یک لنگه اش آبی و آن یکی قرمز خال خالی!!!

**دومی:** آره خیلی عجیب است! و عجیب تر اینکه یک جفت عین همین جوراب ها را توی خانه دارم.



# تو که قصد نداری...

واژه نامه



روز خوش شانسی [ruz -e xoşşansi]

شانس از دست دادن [şans ez dəst dadən]

پس دادن [pəs dadən]

دعوا کردن [də'va kərdən]

**فرید:** این چیست؟

**پروین:** فکر می کنم اسکناس است.

**فرید:** درست است، برداریم برویم.

**پروین:** نه، باید صاحبش را پیدا کنیم.

**فرید:** چه می گویی؟! امروز روز خوش شانسی ما است. کم مانده بود که این شانس را از دست بدهیم.

**پروین:** نه، ما باید پول را به صاحبش پس بدهیم.

**فرید:** با این کاغذ پول می توانیم چند سی دی بگیریم.

**پروین:** تو که قصد نداری به خاطر پول با بهترین دوستت دعوا کنی.



## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- این چیست؟
- فکر می‌کنم ... است.
- درست است، برداریم ...
- نه، باید صاحبش را ...
- چه می‌گویی؟! امروز روز ... ما است. کم مانده بود که این شانس را از ...
- نه، ما ... پول را به صاحبش پس بدهیم.
- با این کاغذ پول می‌توانیم چند سی‌دی ...
- تو که قصد نداری به خاطر پول با بهترین دوستت ...

## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

## ۳. جدول را کامل کنید.

زمان حال	ماضی مطلق	ماضی نقلی	ماضی بعید	ماضی استمراری
من	می‌نویسم			
تو		گفتی		
او		داده است		
ما			گرفته بودیم	
شما				برمی‌داشتید
آنها				

## ۴. متن زیر را بخوانید.

### کمک نمی کنم

موش و خرگوش و سنجاب برای گوزن پیر خانه می ساختند. موش چوب ها را با دندانش می برید و سنجاب و خرگوش آن ها را با میخ به هم وصل می کردند. دیوار خانه تمام شده بود و حالا مانده بود سقفش، اما این حیوان های کوچولو نمی توانستند چوب های بلند را به بالا ببرند. موش پیش فیل رفت، او را آورد و گفت: ببین آقا فیل، می خواهیم برای آقای گوزن که مریض و پیر است، خانه درست کنیم، بی زحمت این چوب ها را بیانداز بالا تا سقفش را هم درست کنیم.

فیل گفت: ”برو ببینم، کار دارم.“

سنجاب گفت: ”آقا فیل نازنین، کمک کن ما هم هر کاری داشتی به تو کمک می کنیم.“

فیل خندید و خرطومش بالا و پایین رفت و گفت: شما؟ هه هه. شما که برای من مثل مورچه هستید، کاری نمی توانید کنید.

حیوانها ناراحت شدند. موش گفت: عیب ندارد. می روم به آقای اسب آبی می گویم می آید. فیل در حالی که می خندید، رفت. هنوز راهی نرفته بود که زمین افتاد و دادش به هوا رفت. حیوانها به طرفش دویدند، گفتند: چی شده؟

فیل پایش را نشان داد و گفت: وای، نمی دانم چیزی توی پایم رفته. سنجاب گفت: تو به ما کمک نکردی این هم جوابش. موش گفت: بیا بید برویم، ما نباید به او کمک کنیم. فیل گریه کرد. خرگوش گفت: نه، فیل دوست ما است، باید به او کمک کنیم. بعد با کمک موش خاری را که پای فیل رفته بود، در آوردند. فیل حالش خوب شد، از آنها تشکر کرد. بعد به طرف خانه ی گوزن رفت تا چوب ها را بالا بیاندازد.

#### واژه نامه



خار [xar]

بریدن [boridən]

اسب آبی [əsb(e)abi]

به هم وصل کردن [be həm vəsl kərdən]

مورچه [murçe]

بی زحمت [bizəhmət]

## ۵. کدام جمله نادرست است؟

- ۱) موش و خرگوش و سنجاب برای گوزن پیر خانه می ساختند.
- ۲) خرگوش و موش و سنجاب سقف خانه را درست کردند.
- ۳) حیواناتی کوچولو از اسب آبی کمک خواستند.
- ۴) فیل نمی خواست به حیوانات کمک کند.

## ۶. به سؤال های زیر پاسخ دهید.

- ۱) چرا حیوانات برای گوزن خانه می ساختند؟
- ۲) چرا حیوانات از فیل کمک خواستند؟
- ۳) فیل چرا نمی خواست به حیوانات کمک کند؟
- ۴) از این متن چه نتیجه گرفتی؟



## او تنها کسی بود که ...

**علی:** چرا به لیلی اعتماد نمی کنی؟  
**سارا:** چون او به من خیانت کرده است.

**علی:** چطور؟  
**سارا:** رازی را به او گفته بودم، قول داد که به کسی نگوید، بعد دیدم که همه می دانند.

**علی:** مطمئن هستی که این راز را او فاش کرده است؟  
**سارا:** بلی، او تنها کسی بود که از راز من خبر داشت.

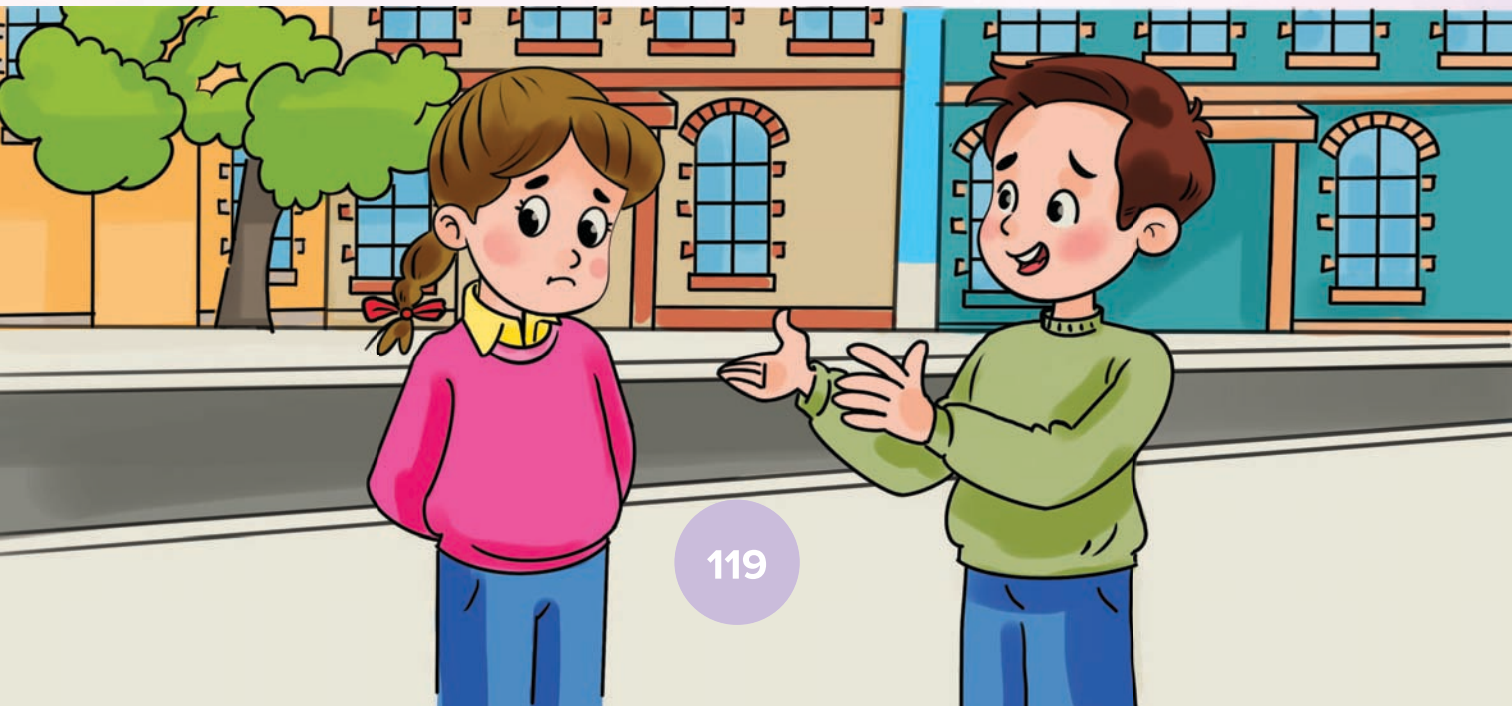
**علی:** راجع به این خیانت با او صحبت کرده ای؟  
**سارا:** نه

## واژه نامه



فاش کردن [faʃ kərdən]  
راجع به [race' be]

اعتماد کردن [e'temad kərdən]  
خیانت کردن [xīyanət kərdən]



۱. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

۲. عبارت های مربوط به هم را وصل کنید.



باغبان



نانوا



رفتگر

باغ های سرسبز و گل های  
خوش رنگ را می کارد

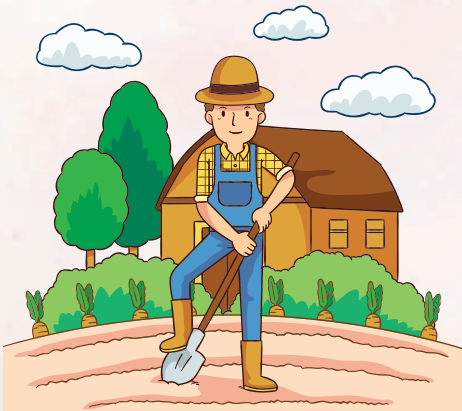
خیابان ها را تمیز و پاکیزه می کند

کسی که نان گرم و خوش مزه می پزد

خانه ها را می سازد

گندم های زرد و قشنگ را می کارد

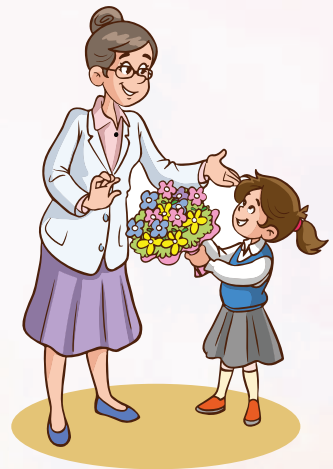
دانش آموزان را پرورش می دهد



کشاورز



بنا



معلم

### ۳. واژه های هم معنی را به یکدیگر وصل کنید.



### ۴. متن زیر را بخوانید.

## فکر کاکتوسی

یک کاکتوس بود که همیشه تنها بود. چون همه از تیغ هایش می ترسیدند و هیچ کس با او دوست نمی شد. یک روز که کاکتوس داشت تیغ هایش را می شمرد، صدایی شنید.

– جیک جیک کمک، کمک، کمکم کنید! جیک جیک!

کاکتوس دور و برش را نگاه کرد. یک جوجه ی زرد کوچولو را دید که داشت جیک جیک می دويد. یک گربه ی سیاه بزرگ هم میو میو دنبال او می دويد. کاکتوس با خودش

گفت: طفلکی جوجه کوچولو الان گربه ی سیاه او را می خورد! حالا چه کار کنم؟

یک دفعه نگاهش به تیغ هایش افتاد و یک فکر کاکتوسی به کله ی تیغ تیغی اش رسید. با خوش حالی گفت: ”آهای جوجه کوچولو، جوجه کوچولو، بدو بیا پیش من!“

جوجه کوچولو صدای کاکتوس را شنید، تند تند دويد و آمد پشت گلدان کاکتوس قایم شد.

پیشی سیاه هم بدو آمد دنبال جوجه، اما وقتی خواست دستش را دراز کند و جوجه را

بگیرد، کاکتوس یکی از تیغ هایش را پرت کرد به طرف او. تیغ فرو رفت توی دست

پیشی سیاه.

پیشی سیاه دردش آمد. میو میو گریه کرد و از آنجا فرار کرد. از آن به بعد جوجه کوچولو

و کاکتوس دو تا دوست خوب برای هم شدند!

### نکته:



[daštəm mirəftəm]	داشتم می رفتم
[dašti mirəfti]	داشتی می رفتی
[dašt mirəft]	داشت می رفت
[daštīm mirəftīm]	داشتیم می رفتیم
[daštīd mirəftīd]	داشتید می رفتید
[daštənd mirəftənd]	داشتند می رفتند

### مقایسه کنید:

دارد می رود  
داشت می رفت

### دقت کنید:

داشتم می رفتم – نمی رفتم

### واژه نامه



[ʃemordən]	شمردن
[tiğ]	تیغ
[dour – o – bər]	دور و بر
[tefləki]	طفلکی
[tiğtiği]	تیغ تیغی
[tond-tond]	تند تند
[qayem ʃodən]	قایم شدن
[pişi]	پیشی
[bedou bedou]	بدو بدو
[pərt kərdən]	پرت کردن
	دست دراز کردن
[dəst deraz kərdən]	

## ۵. کدام جمله درست نیست؟

- (۱) کاکتوس با گربه دوست صمیمی بودند.
- (۲) کاکتوس می خواست به جوجه کمک کند.
- (۳) کاکتوس به جوجه گفت که پشت درخت قایم شود.
- (۴) گربه از تیغ کاکتوس ترسید و فرار کرد.

## ۶. فعل های زیر را در زمان گذشته بنویسید.

- (۱) او دارد به مدرسه می رود.
- (۲) من دارم تمرین هایم را انجام می دهم.
- (۳) او دارد تلویزیون تماشا می کند.
- (۴) آنها دارند فوتبال بازی می کنند.



۷. با توجه به متن فعل های زیر را طبقه بندی کنید.

شنید - داشت می شمرد - نگاه کرد - دید - می خورد  
- گفت - دوید - خواست - می دوید

می رفت

رفت

داشت می رفت

۸. برای تصویر پنج جمله بنویسید.



## نوبت من

واژه نامه



نوبت [noubət]

صف [səf(f)]

بایستم (ایستادن)

[beistəm](istadən)

**علی:** سلام، شما می توانید به من کمک کنید؟  
**فروشنده:** چه شده؟

**علی:** آن پسر می خواهد نوبت مرا بگیرد.  
**فروشنده:** تو تنها هستی؟

**علی:** نه، با مادر آمده ام.  
**فروشنده:** مادرت کجا است؟

**علی:** مادرم از من خواست در صف بایستم و خودش رفت میوه بخرد و برگردد.  
**فروشنده:** ناراحت نباش، من حالا به تو کمک می کنم.



## ۱. گفتگو را کامل کنید.

- سلام، شما می توانید به ...؟
- چه شده؟
- آن پسر می خواهد نوبت مرا ... .
- تو تنها هستی؟
- نه، با مادر ... .
- مادرت کجا است؟
- مادرم از من خواست در صف ... و خودش رفت میوه ... .
- ناراحت نباش، من حالا به تو کمک می کنم.

## ۲. گفتگو را با هم کلاسی هایتان تمرین کنید.

### ۳. واژه های مناسب را انتخاب کنید.

- ۱) علی هر شب قبل از خواب ... مدرسه را آماده می کند. (دوچرخه، وسایل لازم، ماشین)
- ۲) احمد و خواهرش به پدر و مادر خود ... می گذارند. (عزیز، تشکر، احترام)
- ۳) لاک پشت ... راه می رود. (سریع، آهسته، تند)
- ۴) فرشته آرام در پارک ... (می دوند، قدم می زند، می روند)
- ۵) از پدر خداحافظی کردم و وارد خانه (شدیم، شدم، می شدم)

### ۴. خوراکی های زیر را در جدول طبقه بندی کنید.

ماست – تخم مرغ – نان – گوجه فرنگی – بیسکویت – موز – ماهی – پنیر – سبزی خوردن – کره – ماکارونی – شکلات

غذای گیاهی	غذای جانوری

## ۵. شعر زیر را بخوانید و حفظ کنید.

واژه نامه



خزان [xəzan]

تذرو [təzərv]

ماکیان [makiyan]

آبشار [abšar]

## دوست دارم

بهاران را، خزان را دوست دارم  
هوای بوستان را دوست دارم  
کبوتر های زیبا، بلبل باغ  
تذرو و ماکیان را دوست دارم  
نوای آبشاران، غلغل رود  
سخنهای روان را دوست دارم  
به زیر آسمان زادگاهم  
زمین و آسمان را دوست دارم  
سخن های پدر، لبخند مادر  
نگاه بوستان را دوست دارم

کریم یمینی

## ۶. لطیفه ی زیر را بخوانید.

**آرش:** نیما تو چند شنبه به دنیا آمدی؟

**نیما:** چهار شنبه. تو چند شنبه به دنیا آمدی؟

**آرش:** جمعه.

**نیما:** چرا الکی می گویی؟! جمعه که تعطیل

است!!

۱. گوش کنید و بگویید کدام جمله درست است؟

۱. دو مرغابی و یک لاک پشت در کنار آبگیری بازی می کردند.

۲. مرغابی ها باهم فکر کردند تا لاک پشت را با خود ببرند.

۳. کلاغ و جغد دیدند که دوبرغابی لاک پشت را به منقار گرفته اند.

۲. گوش کنید و با گزینه ی مناسب جمله را کامل کنید.

با گرم شدن هوا...

(الف) لاک پشت در آبگیری زندگی می کرد

(ب) آبگیری هم خشک شد

(ج) مرغابی ها جیغ زدند.



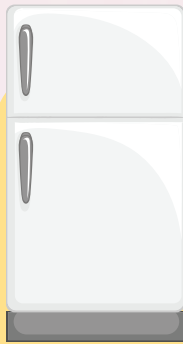


# مرور کنیم

۲. اشیای زیر را باید با چه واحد اندازه بگیریم؟



گرم



کیلوگرم



تن

۴. اجسام زیر را در جدول طبقه بندی کنید.

موز - ستاره - آتش - کتاب -  
آینه - چراغ - اتومبیل - لامپ -  
حشره ی شب تاب - لیوان - سوزن

چشمه ی نور است	چشمه ی نور نیست

۱. واژه های مناسب را به یکدیگر وصل کنید.

تابستان

باران

جهان افروز

کوچک

رودخانه

مهاجر

خورشید

گودال های

فصل

قطره های

پرستوهای

سطح

۳. جمله های زیر را بخوانید و به ترتیب بنویسید.

در راه مقداری پول پیدا کرد

رضا از دبستان به خانه می رفت

پسر از او تشکر کرد

پرسید دنبال چیزی می گردی

رضا گفت: نشانی آن را بده، با دادن

نشانی، رضا پول را به پسر داد

**۵. جمله های زیر را با یکی از کلمه های (فرق، لازم و مفید، گوناگون، میوه ی - بیمار) کامل کنید.**

- ۱) شکل ریشه ی گیاهان با هم ... دارد.
- ۲) خوردن میوه و سبزی برای بدن انسان ... است.
- ۳) میوه و سبزی کثیف انسان را ... می کند.
- ۴) شکوفه های سیب، پرتقال و انار به ... آن درخت تبدیل می شوند.
- ۵) گل های گیاهان، شکل و رنگ های ... دارند.

**۶. واژه ها را به جمله های مربوط وصل کنید.**

فیلم ساز	شیرینی می فروشد
باغبان	لباس می دوزد
خیات	گل ها و درختان را در باغ ها می کارد
شیرینی فروش	خانه های راحت و زیبا می سازد
بنا	فیلم می سازد

**۷. بنویسید هر یک از تصویرهای زیر چه هستند و در هنگام خطر چه کمک هایی به ما می کنند.**



## Buraxılış məlumatı

### FARS DİLİ 4

Ümumi təhsil müəssisələrinin 4-cü sinifləri üçün  
Fars dili fənni üzrə

### DƏRSLİK

#### Tərtibçi heyət:

Müəllif **Anar Kərimov**

Layihə rəhbəri **Samirə Bektaşi**

Buraxılışa məsul **Rafiq Kazımov**

Dizayner və səhifələyici **Yeganə Rüstəmov**

Rəssam **Aişə Məhərrəmov**

Texniki redaktor **Sevinc Yusifova**

Baş redaktor **Samirə Bektaşi**

Texniki direktor **Allahverdi Kərimov**

Nəşriyyat direktoru **Sevil İsmayılova**

© “Şərq-Qərb” Açıq Səhmdar Cəmiyyəti

Azərbaycan Respublikası Elm və Təhsil Nazirliyinin qrif nömrəsi: 2024-013

Müəlliflik hüquqları qorunur. Xüsusi icazə olmadan bu nəşri və yaxud onun hər hansı hissəsini yenidən çap etdirmək, surətini çıxarmaq, elektron informasiya vasitələri ilə yaymaq qanuna ziddir.

Hesab-nəşriyyat həcmi 11,4. Fiziki çap vərəqi 16. Formatı 57x82<sup>1</sup>/<sub>8</sub>.

Kəsimdən sonra ölçüsü: 195x275. Səhifə sayı 128.

Şriftin adı və ölçüsü: məktəb qarnituru 10-12. Ofset kağızı. Ofset çapı.

Sifariş . Tiraj . Pulsuz. Bakı – 2024

#### Əlyazmanın yığıma verildiyi və çapa imzalandığı tarix:

Çap məhsulunu nəşr edən:

“Şərq-Qərb” ASC

(Bakı, AZ1143, Hüseyn Cavid pr., 111)

Çap məhsulunu istehsal edən:

Pulsuz

## Əziz məktəbli!

**Bu dərslik sizə Azərbaycan dövləti tərəfindən  
bir dərs ilində istifadə üçün verilir.**

**O, dərs ili müddətində nəzərdə tutulmuş bilikləri  
qazanmaq üçün sizə etibarlı dost və yardımçı olacaq.**

**İnanırıq ki, siz də bu dərsliyə məhəbbətlə yanaşacaq,  
onu zədələnmələrdən qoruyacaq, təmiz və səliqəli  
saxlayacaqsınız ki, növbəti dərs ilində digər məktəbli  
yoldaşınız ondan sizin kimi rahat istifadə edə bilsin.**

**Sizə təhsildə uğurlar arzulayırıq!**

